

تاریخ وصول: ۸۶/۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۸۶/۷/۲۰

«شرح حال ترمذی و بررسی آثار و اندیشه‌های عرفانی او»

فربیا مولایی

دبیر - کارشناس ارشد عرفان اسلامی

چکیده مقاله:

حکیم ترمذی از شخصیت‌های بزرگ جهان اسلام است که به قدر لازم و متناسب، چهره برجسته او، شناخته نشده است و برای بسیار حتی اهل علم فرد گمنامی است. آثار متعدد او که بسیاری از آنها هنوز به صورت نسخه‌های خطی است، اعتقادات، اندیشه‌های بدیع، نقش او در تصوف اسلامی و تأثیر افکار وی بر دانشمندان بعد از خود، بیانگر عظمت این شخصیت است، این تحقیق کوششی است برای معرفی این چهره برجسته و افکار و آثار او. امید است این گام کوچک مقدمه گام‌های بلند صاحب نظران برای ترجمه، تعلیق و شرح آثار و افکار این دانشمند بزرگ شود.

کلید واژه‌ها:

ولایت، اولیاء، نبوت، خاتم الاولیاء، خاتم الانبیاء، ملامتیه.

پیشگفتار

سپاس و ستایش بی حد بر خداوندی که هستی جمیع موجودات در کف قدرت اوست و فروغ تابناک حکمت و فضیلت با اراده او در قلوب بندگانش فروزان می گردد. و درود فراوان بر روان پاک هادیان راه حق و حقانیت و پیش آهنگان و دلباختگان مکتب حریت و انسانیت و برگزیدگان رسالت [بخصوص] سید انبیاء و خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله (ص) و خاندان گرامی اش صلوات الله علیهم اجمعین.

عارفان اسلامی، بی تردید، بیشترین سهم را در بنیاد و ساختار عرفان و تصوف جهان ما دارا هستند، و از این رو، این عارفان هم از وجه کمی و از هم از لحاظ کیفی، دارای وسیع ترین پشتوانه های عرفان اسلامی هستند.

پر پیداست که یکی از مهم ترین پشتوانه ها و عناصر مقوم عرفانی و اسلامی هر عارفی به ویژه عارفان بزرگ اسلامی «میراث مکتوب» آنها است. این آثار نمایانگر تلاش و پویایی عارفانی است که برای ساختن آثار خود از هیچ کوششی فروگذار نبوده اند. این که از کجا گفته می شود دانشوران و عارفان و مایه وران حیات انسانی حیات طیبه و اندیشه والای خود را وقف پیشبرد اهداف و اصلاح ساختار عرفان، تصوف و فرهنگ خود ساخته اند، یکی از مظاهر بارز و نشانه های روشن این تلاش و کوشش در عرفان اسلامی تعدد نسخ خطی است که از ایشان بر جای مانده است. اینک، این نسخه ها گستره وسیعی از دانش، علوم، فرهنگ، تفسیر و عرفان را در بر گرفته اند. علوم دینی، قرآنی، حدیثی و فقهی، از جمله ده ها موضوع و مقوله های دیگری است که پدید آورده و کلک کاتبان استنساخ نساخان به آنها موجودیت بخشیده است. متأسفانه این آثار و نسخ ارزشمند، به دلایل مختلفی در کشورهای مختلف پراکنده شده اند و از آن میان، به ندرت نیمی از آنها قابل دسترسی می باشد، لذا هر محقق که بخواهد از وجود نسخه ای آگاهی یابد، لاجرم باید ساعت ها و بلکه روزها و ماه ها از عمر خود را برای یافتن

شرح حال ترمذی و بررسی آثار و ... / ۱۹۵

نسخه هدر دهد و گاه نیز هرگز به نتیجه نرسد. با این همه، خوشبختانه به تعداد بی شماری از نسخه‌های خطی پی برده شده است که دسته‌بندی زیر از آن جمله‌اند:

نوع اول: نسخ خطی موجود در منطقه است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به فهرست نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم اشاره کرد.
نوع دوم: نسخ خطی بیرون از منطقه است که از جمله می‌توان به شهرهای آنکارا، قاهره و بیروت اشاره نمود. البته آثار چاپی کتب اخیر در کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی و کتابخانه ملی ایران و در خارج از کشور در آنکارا، بیروت، قاهره و لندن موجود می‌باشد.

مطالب این پژوهش در قالب پنج فصل به حقیقت جویان تقدیم می‌شود.
در فصل اول، به شرح حال آن عارف و مطالبی در ارتباط با شرح احوال پرداخته شده است.

در فصل دوم، به شرح آثار عرفانی، خطی و چاپی او، از قبیل آثار تفسیری، فقهی، حدیثی، نبوی و اینکه این آثار در ارتباط با چه موضوعاتی است، پرداخته شده است.
در فصل سوم، به اقوال او و حکایاتی درباره او پرداخته و به تفصیل سخن رانده شده است.

در فصل چهارم، عقاید حکیم بررسی می‌شود. فصل آخر نتیجه‌گیری است.

شرح احوال

نام: محمدبن علی - کنیه: ابو عبدالله - نسبت: ترمذ

ابو عبدالله محمدبن علی بن حسن (حسین) بن بشر ملقب به «حکیم ترمذی» است (صوفیانی مانند «ترمذی» را حکیم می‌نامیدند)، (مصاحب، ۱۳۵۶، ۱/۶۳۳) و نسبت او به «ترمذ» است.^۲

۱- بغدادی. ۱۳۴۹ هـ. ق، ۳۷۳/۱۱ الترمذی، ۲۰۰۲ م، ۳/ ترمذی، ۱۹۴۷ م، ۳/ دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۲، ۲۳۶/۷، نصر و لیمن، ۱۳۸۳، ۴۴/۱.

۲- در رابطه با ترمذ آمده است: نام شهری است مشهور به خراسان از بلاد ماراءالنهر بر لب جیحون - ترمذ شهری از ازبکستان بر آمودریا و مرز افغانستان و بندری تاریخی در ماوراءالنهر، امروزه در جمهوری ازبکستان، مرکز ولایت سرخان دریا. ترمذ علویان در آنجا بودند من جمله علاء الملک.

ز ختلان و از ترمذ و سیه گرد ز هر سو سپاه اندر آورد گرد
که باشد مرا ترمذ سپه گرد که خود عهد این دارم از یزد گرد

محدث، مولف و زاهد از مشاهیر مشایخ محدثین صوفی متفکر و عالم ربانی در خراسان می‌باشد.^۱

ولادت حکیم بین سال‌های ۲۰۵ و ۲۱۵ و در اوائل قرن سوم بوده است و در اواخر همین قرن وفات یافت (الذهبی، ۱۳۳۴ ه. ق ۱۹۷/۲).

آثار

آثار چاپی، خطی، منسوب

محمدبن علی ترمذی برای نگارش آثارش از منابع مختلفی بهره برده است. وی نخستین مؤلفی است که نوشته‌هایش ترکیبی از تجارب عرفانی انسان شناسی، جهان شناسی و الهیات اسلامی است. ترمذی بی‌اینکه شیعه باشد از شیعه و حتی جریان‌های افراطی آن مطالبی اخذ کرده است. ایشان تا حد متکلمان و فقیهان تحصیل کرد و بر کل معارف اسلامی زمان خود احاطه داشت. از افکار و آرای گنوسی و نو افلاطونی استفاده کرد و مدتی نیز به خواندن علوم طبیعی پرداخت. او همه این عناصر فکری را با تجربه‌های عرفانی خود درآمیخت. به طور کلی نظام فکری ترمذی نماینده حکمت قدیم اسلامی است که هنوز عناصر سنت فلسفی ارسطویی

چو آمد به ترمذ در و بام و کوی بسا بهاران پر از رنگ و بوی (فردوسی)

بدرفتاری چنگیز با مردم خود زمینه نهضت‌های مردم خراسان بر علیه مغولان است ملوک الترمذ = ترمذ شاه. ترمذ شهری به خراسان که سادات آنجا بالاتفاق صحیح‌النسب‌اند. سلطان سنجر با قراخانیان بر سر ترمذ و دیگر سرزمین‌های ماوراءالنهر وارد جنگ شد و قدرخان جبرائیل را شکست داد و به ترمذ پناه برد. چنگیز پس از تصرف سمرقند و فرار سلطان محمد خوارزم شاه از ترمذ این شهر را گرفت و مردم آن را کشت. ترمذ خواستگاه بسیاری از بزرگان دین و عرفا و عالمان بوده چنان که حافظ ابرو آن را مدینه الرجال خوانده است. از جمله بزرگان آنجا این اشخاص بوده‌اند: ابوبکر وراق ترمذی، از مشایخ صوفیه، سید برهان‌الدین ترمذی، ابوعلی محمدبن عیسی ترمذی، مؤلف کتاب الجامع الصحیح از صحاح سته اهل سنت؛ ابوجعفر محمدبن احمدبن نصر ترمذی، فقیه شافعی و ابو عبدالله محمدبن علی ترمذی، مشهور به حکیم ترمذی. تصویر نقشه شهر ترمذ در ضمیمه الف آمده است. (معین، شهیدی، ۱۳۷۷، ۶۶۶۹/۵). چکیده نامه مقالات خراسان، بررسی تاریخی، ش ۳۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۰، ۲۰۷-۲۴۴. البیرونی، ۱۳۸۰، ۱۱۷/، نفیسی، ۱۳۷۷، ۸۵۸/۲. بروکلمان، ۱۳۸۳/ ۲۴۶. سفرنامه ناصر خسرو، ۴۸/، ستوده، ۳۷۲ هـ / ۱۰۹. تاریخ جوینی، ۱۱۳/۱. ابن اثیر، ۲۵۳۵ شاهنشاهی، ۱۴۹/۲۶-۱۹۵. واعظ کاشفی، ۱۳۸۴، ۸۰/۶. بیهقی ۱۳۵۶، ۱۱۴/، ۲۳۹-۲۴۰. ابن اثیر، ۲۵۳۵ شاهنشاهی، ۲۱۲/۲۶-۶. دایرة المعارف ازبکستان، ۶۴۰/۱).

۱- (سبکی، ۱۳۲۴، ۲۴۶/۲. سزکیس، ۶۳۳/۱. دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۲، ۲۳۶/۷. ابن عربی، باب هفتاد و سه، ۵۳/۱۳۸۱. الحکیم الترمذی، ۱۹۸۷م، ۱۱-۱۲. ترمذی، ۱۹۹۸م، ۱۳. ترمذی، ۱۹۷۷م، ۷/ امام محمد غزالی، ۱۳۷۴، ۳، انصاریان، ۱۳۶۷، ۲۷۹/ مدرس چهاردهی، ۱۳۶۱، ۴۳۵-۴۳۶).

و نوافلاطونی را نپذیرفته است، انسان شناسی و جهان شناسی در آثار او جایگاهی خاص دارد. او از تصوّف زمان خود، بویژه مکتب بغداد، فاصله گرفت و در آثارش کلمه صوفی را به کار نبرد. وی را به جهت طلب حکمت و معرفت عرفانی درباره آدم و عالم، باید حکیم دانست. ترمذی در انسان شناسی خود سه مرکز عمل را مشخص کرده است، سر و قلب و شکم جایگاه عقل، سر و جایگاه نفس (هوای نفس) شکم است. نفس (اماره) و عقل باصدر که واجد نور الهی یا معرفت است، در نزاع‌اند. جایگاه معرفت، قلب است. معرفت از قلب به صدر می‌تابد. معرفت عرفانی زمانی حاصل می‌شود که عارف با مجاهدت و ریاضت، تأثیر نفس را بر نور الهی و معرفت متوقف کند.

موضوع مهم و محوری آثار ترمذی، ولایت است که بعدها در مکتب ابن عربی بسط یافت. وی ولایت را برتر از نبوت، و ولایت پیامبر اکرم را بالاتر از مقام نبوت او می‌دانست، زیرا به نظر وی نبوت صفت خلق در برابر خلق و ولایت صفت حق است.^۱

به طور کلی تعداد آثار حکیم ترمذی به هشتاد جلد می‌رسد که به طور خلاصه معرفی می‌کنیم:

۱- ختم الاولیاء

این کتاب به عنوان یکی از آثار عمده حکیم می‌باشد که در فهرست مخطوطات جلد اول صفحه ۱۶۹ به عنوان یکی از آثار خطی^۲ اوست. این فهرست خطی به کوشش عثمان اسماعیل یحیی تدوین شده و در سال ۱۹۶۰ م به چاپ رسیده است. ختم الاولیاء و محی الدین ابن عربی در فتوحات او در جلد ۲ با عنوان الجواب المستقیم و با عنوان المسائل الروحانیة از مؤلفی ناشناخته به چاپ رسیده است (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/۹۵۳).^۳

کتاب ختم الاولیاء کتاب کوچکی است که از بیست سی ورق تجاوز نمی‌کند و بیشترش نقل احادیث است. ضمناً پانویسی‌های این بخش از حواشی عثمان یحیی می‌باشد که مترجم آن‌ها را ترجمه کرده است. کتاب دارای بیست و نه فصل است که به جهت اختصار به عناوین فصول اشاره می‌شود:

۱- دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، ص ۲۳۷.

۲- نسخه خطی مذکور در ضمیمه ت آمده است.

۳- کتاب سیره الاولیاء و علم الاولیاء و ختم الاولیاء همه در واقع همین ختم الاولیاء است

- کتاب کشف البیان خراز و ختم الاولیاء ترمذی

پل نو یا در کتاب تفسیر عرفان و زبان قرآنی مقایسه‌ای بین کتاب کشف البیان خرازو ختم‌الاولیاء ترمذی که هر دو درباره ولی و نبی بحث نموده‌اند، انجام داده است.

۲- سیره الاولیاء

رساله سیره الاولیاء که شهرت آن بیشتر به سبب موضع ختم ولایت است که یکی از بخش‌های فرعی کتاب محسوب می‌شود، ولی عنوان ختم الولایه چنان شهرت یافت که کتاب ختم‌الاولیاء یا ختم الولایه معروف و دوبار هم به همین نام چاپ شد، یک بار به اهتمام عثمان یحیی در بیروت ۱۹۶۵ (۱۳۴۴ ش) و بار دیگر ۱۹۹۲ (۱۳۷۱ ش) در همانجا. ترمذی در این رساله برای نخستین بار موضوع سلسله مراتب اولیاء مطرح کرد که قرن‌ها بعد بر ابن عربی و از طریق او بر آثار صوفیان دیگر تأثیر گذاشت. به عنوان قدیم‌ترین متن موجودی که بررسی و تحلیل نظری از پدیده ولایت می‌کند، بی‌گمان شایان توجه دقیق و محققانه است. (اورکین، ۱۳۷۹، / ۳۰)

۳- علم الاولیاء

این کتاب به صورت نسخه خطی در ۲۵۶ صفحه، که صفحه ۱ تا ۲۱۸ در رابطه با علم اولیای الهی، و دیگر صفحات آن در رابطه با موضوعات عرفانی دیگر می‌باشد. کتاب مذکور به کوشش سامی نصرلطف در سال ۱۹۸۱ در قاهره منتشر شد. متن آن سرگذشت بسیار پیچیده‌ای دارد. بسیاری از پرسش‌هایی که در سیره مطرح شده و پاسخی به آن‌ها داده نشده است در کتاب علم‌الاولیاء مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پاسخ‌های درست به فهرست این پرسش‌ها، تشکیل دهنده علم خاص اولیاء و انبیاء است (راتکه، اورکین، ۱۳۷۹، / ۱۴-۲۴).

۴- اثبات العلل

این کتاب به نام‌های دیگری از جمله علل‌العبودیة و علل‌الشریعة و العلل نیز شهرت یافته است و به صورت نسخه خطی^۱، به کوشش ولی‌الدین رقم ۷۷۰، ۱۳۴ الف - ۸۳ ب در استانبول موجود است. کتاب مذکور در سال ۱۹۹۸ م به کوشش خالد زهری در ۲۷۶ صفحه در قاهره به چاپ رسیده است، و در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی شهر قم نسخه خطی و چاپی

۱- نسخه خطی مذکور در ضمیمه آمده است.

آن موجود است.

۵- کتاب الأکیاس والمغترین

نسخه خطی این کتاب به کوشش اسماعیل صائب رقم ۱۵۷۱، ۱، ۶۹ ب، ۱۲۹ ب، درخزائن ترکیه (آنکارا) نگهداری می‌شود. کتاب مذکور ابتدا با عنوان نادرست طبائع النفوس در سال ۱۹۸۹ در قاهره انتشار یافته، ولی در سال ۱۹۹۰ باتلاش احمدبن عبدالرحیم السیاع و السید الجمیلی با عنوان درست الأکیاس و المغترین انتشار یافت.

به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که: این اثر اعمال صحیح و ناصحیح را با توجه به تکالیف دینی خاص (در ادای واجبات و مستحبات دینی، وضو، نماز «صلوة»، نکاح و تلاوت قرآن و بنای مساجد، طلب العلم، حج و غیره) و با عنایت به طریقت عارفانه (سیر و سلوک عارفانه) از جمله خطاهایی که زاهدان، مبتدیان و غیره مرتکب می‌شوند، توصیف می‌کند. امام محمد غزالی نیز در کتاب احیاء علوم الدین (ربع مهلکات) به موارد فوق اشاره دارد (۳۹۹-۴۳۵). نمونه‌ای از نیرنگ بازی در مسائل دینی که بر حسب حرفه‌ها ترتیب یافته و در آن مؤلف شکل‌های مختلف ریاکاری را رسوا کرده و به مبارزه با «حیل» سفسطه باز آن پرداخته است (راتکه، اورکین، ۱۳۷۹، ۲۳/، سزگین، ۱۳۸۰، ۹۵۳/۱).

۶- الرياضه النفس

این کتاب که به نام های دیگری از جمله الرياضة و کتاب الرياضة فی تعلق الأمر بالخلق نیز شهرت یافته، به صورت نسخه خطی درموزه اوقاف پاریس ش ۳۲، ۲، گ ۲۸۶-۲۷۲، ۱۲۰ هـ نگهداری می شود (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۵۴). کتاب مذکور اولین بار در سال ۱۹۴۲ به اهتمام عبدالمحسن الحسینی در اسکندریه، و بار دوم به کوشش اچ آربری و عبدالقادر در قاهره در سال ۱۹۴۷ به چاپ رسیده است (راتکه، اورکین، ۱۳۷۹، ۱۶). نسخه های چاپی این اثر در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی شهر قم و در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. به طور خلاصه نتیجه گرفته است که: این کتاب دانشنامه موجزی است که مسائل مردم شناسی و طریقت را بررسی می کند. ترمذی خود از این کتاب در دیگر آثار خویش نقل، و به عنوان متن درسی به آن اشاره می کند. در مسائل انسان شناسی و طریقت عرفانی، کتاب ریاضة النفس کامل ترین توصیف روشمند از ترمذی در مورد ساختمان بدن انسان، و تمام جوارح، اعضا و قوای ذهنی است.

۷- اسرار مجاهدة النفس

نسخه خطی در ریاضة و ادب نفس قبلاً بیان شده است، نسخه چاپی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی شهر قم موجود است. تحقیق ابراهیم الجمل در سال ۱۴۰۹ هـ در دارالمشرق العربی القاهره به چاپ رسیده است. در این کتاب، همان موضوعات کتاب ریاضة و ادب النفس مورد بررسی قرار گرفته اند.

۸- جواب کتاب (عثمان بن سعید) من الری

نسخه خطی این کتاب، به کوشش اسماعیل صائب، ۱۵۱۷ ب ۶۹ الف ۴۸، ۵۹۳ هـ در آنکارا نگهداری می شود. و در سال ۱۹۹۶ توسط راتکه ترجمه شده است. محتوای کتاب درباره پاسخ های ترمذی به پرسش های عثمان بن سعید است، که البته مسأله های مختلفی را شامل می شود. (مینوی، مجله دانشکده ادبیات، ج ۴، ۱۹۵۷ م، ۴۸/۴۹-۴۹)

۹- بیان الکسب

به کوشش عبدالفتاح برکه در مصر انتشار یافته است (سایح، ۲۰۰۶، ۴۴۷) و به طور خلاصه نتیجه گرفته است: درباره اعمال قلب و اینکه اگر قلب با خداوند اتصال پیدا کند زنده می شود

شرح حال ترمذی و بررسی آثار و ... / ۲۰۱

نفس به حیات قلب به نور خداوند متعال در قرب و اگر شد از مقربین و شاد می شود به خدا و همه برای خدا والذین جاهدوا فینالندیهم سبلنا (عنکبوت / ۶۹) (ترمذی، بیان الکسب، ۳۶-۳۷).

۱۰- کتاب اجوبه المسائل التي سئل عنها المصنف الحكيم

نسخه خطی این کتاب به کوشش اسماعیل صائب در خزائن ترکیه (آنکارا) ۱۵۷۱ = ب ۱۵۱-الف-۱۳۰-۵۹۳هـ ط ۱۳۰ تا ۱۵۱a نگهداری می شود، که در سال ۱۹۴۰ به کوشش آربری در قاهره به چاپ رسیده است .

۱۱- التوحید

این اثر منسوب به حکیم بوده، و هجویری در صفحه ۱۴۱ کشف المحجوب از آن نام برده است (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۵۵).

در رابطه با اینکه این اثر خطی است یا چاپی و در چه زمانی منتشر شده منبعی توضیح داده است . فقط السایح در کتاب الحکیم الترمذی و نظریه فی السلوک نوشته است کتاب التوحید . اینکه کتاب التوحید بیشتر احادیثی را نقل کرده است و اکثر کلام او را در کتاب های دیگر از آثار دیگرش را بر پایه توحید است. (سایح، ۲۰۰۶، ۱۲۶/)

۱۲- نوادر الاصول فی معرفة اخبار الرسول

نسخه خطی این کتاب با شماره عمومی ۲۲۳۴۴ مرکزی، و نسخه عربی آن با شماره ۱۰۹۳ قرن ۱۱ هجری در ۶۲۵ صفحه در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود. نسخه چاپی کتاب در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی شهر قم و کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی موجود می باشد. نوادر الاصول در سال ۱۲۹۳ در استانبول چاپ شده، و در آن، ضمن شرح و تفسیر ۲۹۱ حدیث نبوی، درباره عبادات و معاملات و سلوک و اخلاق سخن گفته شده است. کتاب مرقاة الوصول لنوادر الاصول در ۱۴۲ صفحه ضمیمه همین نوادر الاصول می باشد. نسخه اصلی این کتاب اصلاح و حاشیه نویسی شده، و توسط جلال الدین سیوطی و به کوشش مصطفی بن اسماعیل الدمشقی با عنوان مرقاة الوصول در سال ۱۲۹۴ هـ. ق گردآوری و در چهارصد و سی و دو صفحه در استانبول چاپ شده است.

فهرست نوادر الاصول شامل ۲۹۱ اصل است که عناوین این ۲۹۱ اصل در مجموع نزدیک به

۶۰۰ صفحه آمده است. تأکید می‌کند که مقام انبیاء از مقام اولیاء برتر است و می‌گوید نبوت چهل و شش جز دارد که مخصوص به انبیاست و قوام دنیا به وجود آنهاست. لذا اگر کسی دو یا سه جز از آن‌ها را داشته باشد از اولیاست. (کبیر، ۱۳۸۵، ۷۲)

۱۳- کتاب الفروق و معنی الترادف

نسخه خطی آن در پاریس در کتابخانه ملی ۵۰۱۸، ۵۴ ب، و در خزائن ترکیه از ط ۱۵۲ تا ط ۱۷۷ نگهداری می‌شود. مباحث این کتاب درباره مدح و حمد و شکر و علم و عمل، فرق حکمت ظاهر و باطن معرفت حق و عدل و هر انسانی اهل قیاس نیست بحث می‌کند و به طور خلاصه در این کتاب تلاش می‌کند تا به کمک ۱۶۴ مفهوم دوگانه نشان دهد که کلمات مترادف وجود ندارد.

۱۴- شرح الصلاة و مقاصدها

نسخه عکسی این کتاب به کوشش حسنی زیدان در سال ۱۹۶۵ در قاهره منتشر و در همان جا نگهداری می‌شود. (راتکه، اورکین، ۱۳۷۹، ۲۲) و نسخه چاپی آن در ۱۷۶ صفحه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. و به طور خلاصه نتیجه گرفته است که: در این کتاب شیوه تأویل یا تفسیر عرفانی را در مورد شریعت به کار برده، و در مورد دستورهایی که به نمازهای یومیه و آثار آن به شیوه باطنی پرداخته است.

۱۵- حج و اسرار

این کتاب را یکی از آثار منسوب به او دانسته اند. (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۵۶/۱) و به کوشش حسنی نصر زیدان در سال ۱۹۷۰ در قاهره منتشر شده است. (سایح، ۲۰۰۶، ۴۴۸) و به طور خلاصه نتیجه گرفته است که در واقع حج یکی از کوشش‌های عملی در تزکیه نفس است. مقدمه تحقیق در رابطه با حج است و متن، تحلیل عمیق معانی حج از بین سایر واجبات دیگر است.

۱۶- الاحتیاطات

نسخه خطی این کتاب در پاریس رقم ۵۰۱۸، ب ۵۲ - الف ۵۱، و نسخه عکسی آن در قاهره نگهداری می‌شود.

۱۷- الجمل اللایم معرفتها

نسخه عکسی این کتاب در قاهره و در پاریس رقم ۵۰۱۸، ب ۵۴، الف ۵۳ نگهداری می‌شود. (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۵۶).

۱۸- عرش الموحدين

نسخه عکسی این کتاب در پاریس ۵۰۱۸ ب ۱۱۳ - الف ۱۱۰ نگهداری، و به کوشش اسماعیل صائب در قاهره موجود است. (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۵۶/۱) و در کتاب حلیة الاولیاء به عنوان یکی از آثار ترمذی از آن نام برده شده است. (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۵۷، ق ۲۳۴/۱۰)

۱۹- کتاب الاعضا و النفس

نسخه عکسی این کتاب در قاهره و پاریس رقم ۵۰۱۸ ب ۱۳۰ - الف ۱۱۳، نگهداری می‌شود. (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۵۶/۱) این کتاب درباره عناوین متعددی بحث می‌کند. و مباحث این کتاب (الاعضا و النفس) در غورالامور بررسی می‌گردد. در واقع غورالامور در دو نسخه، یکی الاعضا و النفس و دیگری غورالامور تنظیم شده است و در اصل همان غورالامور است. به طور خلاصه نتیجه گرفته است که: برای رسیدن و ملحق شدن با نیروی صبر می‌توان نفس را نورانی و اعضا را پاک کرد. (سایح، ۲۰۰۶، ۱۸)

۲۰- منازل العباد

این کتاب، به نام‌های دیگری از جمله منازل العباد و العبادۃ و منازل القاصدين الى الله نیز شهرت یافته است. نسخه خطی^۱ آن در قالب ۱۳ صفحه تدوین، و در کتابخانه آستان قدس رضوی تحت شماره ۲۲۰۹۸ م نگهداری می‌شود، و در سال ۱۹۷۷ توسط دکتر جیوشی، در انتشارات دارالنهضة العربیه مصر منتشر شد. و در سال ۱۹۸۸ توسط احمد عبدالرحیم السایح در قاهره مجدداً منتشر گردید. (السایح، ۲۰۰۶، ۴۴۹)

به طور خلاصه نتیجه گرفته است که: این نوشته اثر کوتاهی است که به هفت مقام طریقت صوفیانه می‌پردازد. اثری کم حجم درباره هفت مقام یا منزل سیر و سلوک.

۱- نسخه خطی مذکور در ضمائم چ آمده است.

۲۱- کتاب العقل و الهوی

نسخه عکسی این کتاب در پاریس به شماره ۵۰۱۸ پ و در قاهره نگهداری می شود و در سال ۱۹۶۵ م در استانبول به کوشش ا. س فرات منتشر شده است. (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۵۷) در واقع حکیم، عبارت العقل و الهوی در کتابش مورد بررسی قرار می دهد.

۲۲- المنهیات

این کتاب، با نام دیگری از جمله المنهیات و کل ما وجد من حدیث بالهی شهرت یافته است. نسخه خطی در کتابخانه ملی پاریس به شماره ۵۰۱۸، ۱۸۵، ۲۱۲ ب نگهداری می شود، و در بیروت به کوشش ابوماجر محمد السعید بیسونی زعلول ۱۴۰۶م / ۱۹۸۶ هـ به چاپ رسیده است. (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۵۷) آثار چاپی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قم و کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی در ۱۲۹ صفحه موجود می باشد.

به طور خلاصه نتیجه گرفته است که: این کتاب از مقوله نوادر و علل است. در این کتاب ترمذی شیوه تأویل باطنی یا عرفانی را در مورد منهیاتی که شرع تعیین کرده است، به کار می بندد. در اینجا هم احادیث مربوطی که ترمذی نقل می کند مبنای تفسیر عرفانی وی را تشکیل می دهد که تأویل باطنی منهیات شرعی است.

۲۳- الامثال من الکتاب و السنه

این کتاب به نام الأمثال لاهل حقایق نیز شهرت یافته است. نسخه خطی در پاریس، کتابخانه ملی، شماره ۵۰۱۸، برگ ۱۸۵-۱۴۱ اپ نگهداری می شود. (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۵۷) به کوشش علی محمد البجاوی در مصر در سال ۱۹۷۵ به چاپ رسیده است. به طور خلاصه می توان نتیجه گرفت که: این کتاب مجموعه نسبتاً بزرگی از مثال‌هایی است که مقصود از آن‌ها روشن کردن طبیعت تجربه های عرفانی و طریقت صوفیانه است.

۲۴- ادب النفس

این کتاب به صورت نسخه خطی در کتابخانه اسعد افندی به شماره ۱۳۱۲ که ۳۲ ورق است و هیچ گونه تقسیماتی ندارد نگهداری می شود. در فهرست مخطوطات، دانشکده ادبیات تهران، مجله ۱/ ۱۵۹ مینوی و ۴/ ۱۹۵۷ م / ۵۳-۵۴ موجود می باشد و برای اولین بار به اهتمام

شرح حال ترمذی و بررسی آثار و ... / ۲۰۵

آربری و عبدالقادر در قاهره در سال ۱۹۴۷ به چاپ رسید. این کتاب ۶۹ صفحه دارد با موضوعاتی آمده است.

به طور خلاصه نتیجه گرفته می‌شود: این کتاب شامل مجموعه ای از پرسش‌ها درباره عرفان و مخصوصاً درباره معنای «یقین» است. این اثر طرح منظم و ساختمانندی را دنبال نمی‌کند. بخش‌های جدا جدای کتاب همچون رساله‌های مستقلی هستند. شامل پرسش‌هایی درباره عرفان و مخصوصاً درباره معنای یقین است. (راتکه، اورکین، ۱۳۷۹، ۲۴ / ۲۴)

۲۵- غورالامور

این کتاب به صورت نسخه خطی در کتابخانه اسعد افندی ترکیه به شماره ۱۳۱۲ نگهداری می‌شود و نسخه خطی دیگر آن در پاریس رقم ۵۰۱۸ موجود است. و در سال ۱۴۲۲ هـ به کوشش احمد عبدالرحیم سایح و احمد عبده عوض انتشار یافته است. به طور خلاصه نتیجه گرفته می‌شود: برای رسیدن به صفات خوب با صبر می‌توان به نتیجه رسید. (سایح، عوض، ۲۰۰۲، ۱۸۶)

۲۶- کتاب الادعیه و الطلسمات و العزایم

از آثار منسوب به اوست. و مخطوط «الادعیه و الطلسمات و هو باللغه الفارسیه و موجود بمکتبه صوفیا تحت رقم ۸۱۴» و عناوین این کتاب به شرح ذیل می‌باشد. در ارتباط با حضرت خضر ملاقات با حکیم ترمذی و دادن کتابی به او که در آن وصایا و تعلیم است و اینکه داخل می‌کند شیخ دستش را در جیبش و خارج می‌کند کتاب را و اینکه شیخ چگونه می‌گیرد نفسش را به تعالیم آن کتاب و چگونه نظم می‌دهد زندگیش را با مردم و ... (سایح، ۲۰۰۶، ۴۳)

۲۷- کتاب العلوم

از آثار منسوب به اوست. در کتاب الأکیاس از این کتاب نام برده شده است با عنوان باب صفة العلم فی الأسماء و الحروف المعجمه. (سزگین، ۱۳، ۹۵۸/۱)

به طور خلاصه نتیجه گرفته است که: در رابطه با اینکه خداوند را با علم وصف می‌کند و خدا وصف نمی‌شود با فقه و می‌گوید علم ۳ نوع است: نوع اول از نوع حلال و حرام، نوع دوم: حکمة، نوع سوم: معرفت.

۲۸- صفة القلوب و أحوالها و هیئة ترکیبها

به کوشش آربری و عبدالقادر در سال ۱۹۴۷ م در قاهره چاپ شده است. قرب ما به خداوند زیادتیر خواهد شد».

۲۹- شرح سئالات فی التعبیرات (التدبیرات) الالهیه

از آثار منسوب بدواست. شامل یک مجموعه نسخه: توسن، زیتونه ۸۰/۳، ش ۱۵۸۹، موجود است. (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۵۸)

۳۰- الفرق بین الصدر و القلب و الفؤاد و اللب

رساله‌یی است که در سال ۱۹۵۸ هـ به کوشش نقولاهیر در مصر چاپ شده است. نسخه چاپی در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در شهر قم و آستان قدس رضوی و کتابخانه ملی ایران موجود می‌باشد در شرح احوال و ناشر مقدمه دقیقی او نوشته است و ۵۷ کتاب و رساله را از او نام برده است.

کل صفحات کتاب ۱۱۰ صفحه است که ناشر مقدمه دقیقی نوشته و ۵۷ کتاب و رساله را از او نام برده است.

به طور خلاصه نتیجه گرفته است که: سینه ساحت قلب و نفس است. در این ساحت قلب را دری و نفس را دری است. بنابراین وقتی عطایی از طرف خداوند به سینه داخل می‌شود و این فقط برای قلب در نظر گرفته شده، نفس به پیش می‌شتابد تا نصیبی از حلاوت آن عطا به دست آورد و این حلاوت او را برمی‌انگیزد یعنی لذت آن را درمی‌یابد. او اکنون به حراست قلب خود درایستاده که نفس نصیبی نبرد. ولی اگر نفس چیره شود و سهم خود را ببرد، آن نگاهبانان قادر به متوقف کردن نفس نخواهد شد. در نتیجه وقتی نفس اراده می‌کند که به سبب عطایایی که تجربه کرده اندام‌های بدن را به اعمال خیر و دارد (شخص) او را از چنین کارهایی باز می‌دارد.

۳۱- المسائل المکنونه

نسخه عکسی آن در کتابخانه دانشگاه قاهره، شماره ۲۶۱۶۷ موجود است (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۵۸) و به کوشش جیوشی در انتشارات دارالترات عربی مصر ۱۴۰۰ هـ به چاپ رسیده است. درباره شرح احوال و آثار اوست که قبلا اشاره شده است.

۳۲- الرد علی المعطله

از نسخه‌های خطی بمکتبه الاسکندریه، رقم ۱۱۴۵ نسخه اسکندریه، بلدیه ۳۵۸۵، ج ۱ و نسخه عکسی او در قاهره موجود است. (سزگین، ۱/۱۳۸۰/۹۵۸)

مباحث این کتاب در این باره بیان شده است: نقل احادیث ترمذی و اینکه پدرش هم همچنان نقل حدیث می‌کرد و مادرش هم از قول او حدیث می‌گفت و افرادی که حدیث از او روایت می‌کنند. که البته احادیث او به طور مفصل در بخش اقوال ارائه می‌شود. (سایح، ۲۰۰۶، ۲۱۳/۱)

۳۳- بیان العلم

نسخه خطی در آنکارا توسط اسماعیل صائب ۱، ۱۵۷۱، ۱۰ب-۲۴ ب نگهداری می‌شود. (راتکه، اورکین، ۱۳۷۹، ۱۵/، سزگین، ۱۳۸۰، ۹۵۹/)

از جمله این که علم سه گونه است. ۱- آیه محکمه، ۲- سنه قائمه، ۳- فریضه عادل و علم در تحصیل ما بر سه نوع است. نوع منهاالحلال و الحرام، و هو علم احکام هذه الدار، نوع منها علم احکام الآخره و هو علم الباطن، نوع منها علی احکام الله تعالی فی خلقه فی الدارين (سایح، ۲۰۰۶، ۲۴۵/)

۳۴- مسائل فی التیة

نسخه خطی آن در آنکارا، در کتابخانه اسماعیل صائب، ۱ و ۱۵۷۱ و ۲۵ پ و ۲۴ پ، ۵۹۳ هـ نگهداری می‌شود. - جز خزائن ترکیه ط ۱۵۲ تا ۱۷۷ ط مینوی، شماره دوم، ۵۰/.

۳۵- الفرق بین آیات و الکرامات

این کتاب به نام کتاب الفرق بین المعجزات و الکرامات نیز شهرت یافته است و به صورت نسخه خطی در آنکارا، اسماعیل صائب ۱، ۱۵۷۱، ۱۵۲ب، ۱۷۷ ب. نگهداری می‌شود. کتاب بیان می‌دارد: امکان وقوع معجزات. پس از آن شصت و پنج خبر و حکایت مباحث این درباره معجزه و اعمال معجزه آسای بعضی از مردان دین آمده است. چیزی که اهمیت دارد شخص اجرا کننده معجزه است نه مقوله معجزه. هر چه که اشخاص عادی از عهده انجام آن بر نمی‌آیند. به طور خلاصه نتیجه گرفته است که: این کتاب مسأله امکان معجزه را بیان می‌کند، و به لحاظ نظری در عمق بیشتری از موضوع غور، و مثال‌های بیشتری ارائه می‌کند. که تکمله

سیرة الاولیاء به شمار ی آید و در آن موضوع امکان کرامات اولیاء بررسی شده است. (راتکه، اورکین، ۱۳۷۹، ۲۴/)

۳۶- کتاب الحقوق

نسخه خطی آن در مخطوطات اسماعیل صائب در ترکیه ۱۵۷۱ (گ ۲۰۹-۱۷۷) موجود است. (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۵۹)^۱ درباره عناوین ذیل بحث می کند. به طور خلاصه نتیجه گرفته است که: حقوق از تکالیف متقابل گروه های اجتماعی که به خاطر منافع و فوائد خاصی که هر کدام به جامعه می رسانند، تشکیل شده اند.

۳۷- بدء الشان الحکیم الترمذی

به صورت نسخه خطی^۲ در آنکارا مخطوطات اسماعیل صائب ۱۵۷۱ (گ ۲۱۸-۲۹۹، ۵۹۳هـ) است. و در سال ۱۹۶۱ م به کوشش عثمان یحیی چاپ شده است. (سزگین، ۱۳۸۰، ۵۹۵) و در سال ۱۹۹۴ توسط راتکه ترجمه و در بیروت انتشار یافت. (راتکه، ۱۳۷۹، ۳/ این کتاب درباره شرح حال مؤلف به قلم خودش است.

۳۸- مسائل التعبير

نسخه خطی در آنکارا مخطوطات اسماعیل صائب ۱۵۷۱، (گ ۲۲۰-۲۱۸، ۵۹۳هـ) است. در سال ۱۹۴۰ م با تصحیح و ترجمه انگلیسی آربری در RSO به چاپ رسیده است. (فؤاد سزگین، ۱۳۸۰، ۹۵۹/۱)

۳۹- صفة المؤمن

نسخه: اسعد ۱۳۱۲، (گ ۴۴-۴۳، ۱۲۳۸، هـ) است. (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۵۹/۱)

۴۰- رساله فی الفتوة

در فهرست مخطوطات ۱۶۲/۱ نسخه ایاصوفیه ۲۰۴۹ (گ ۱۵۴-۱۵۱، ق، ۸) است. (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۶۰/۱)

۱- خزائن ترکیه، ط ۱۷۷ تا ۲۰۹، مینوی، شماره دوم، ۵۰/.

۲- نسخه خطی مذکور در ضمائم ح آمده است.

شرح حال ترمذی و بررسی آثار و ... / ۲۰۹

۴۱- رساله فی الذکر و وصف المنفردین و فی الشکر و الصبر

به صورت نسخه خطی اسعد ۱۳۱۲ (گ) ۴۳-۴۲، ۱۲۳۸، است. (سزگین، ۱، ۱۳۸۰ / ۹۶۰) مخطوط بمکتبه الدكتورالجیوشی. (سایح، ۲۰۰۶، ۴۴۸ /

۴۲- الشفا و العلل

این کتاب با نام دیگر الرد علی الرافضه شهرت یافته است. یکی از آثار خطی است. مخطوط رقم ۷۷۰ ولی الدین. (سزگین، ۱۳۸۰، / ۹۶۰) به کوشش اس فرات در انتشارات مطیعه حسان در قاهره به چاپ رسید. به طور خلاصه درباره این است که: در رابطه با اینکه از حکیم سوال می شود راه عبادت به سوی خدا چیست؟

۴۳- تفسیر آیه «لا شرقیه و لا غربیه مع تأویل اربعین حدیث»

مخطوط فیض الله ۲۱۶۳ (گ)، ۱۳۳-۱۱۶ (سزگین، ۱، ۱۳۸۰ / ۹۶۰).

۴۴- شرح قوله «ما الايمان و الاسلام و الاحسان»

به صورت نسخه خطی، اسماعیل صائب آنکارا ۱۵۷۱ (گ) ۸ پ - ۳ پ - ۵۹۳ هـ) است. (سزگین، ۱۳۸۰، / ۹۶۰)

و تحقیق دکتر جیوشی، چاپ منبرالاسلام شماره ۶ سال ۳۸ است. (سایح، ۲۰۰۶، ۴۴۹) به طور خلاصه توضیح مختصری در رابطه با علم کلام است. در رابطه با اینکه موضوع ایمان آیا اکتسابی است یا موهبی؟

۴۵- سبب التكبير فی الصلاة

مخطوط به خراجچی به رقم ۸۰۶ (گ) ۲۸ پ، ۲۲ پ، ۷۱۴ هـ) سزگین، ۱۳۸۰، / ۹۶۰.

۴۶- مکر النفس

نسخه کوتاهیه، وحید پاشا (۲) ۰۲۲۵۱ (سزگین، ۱۳۸۰، / ۹۶۰) تحقیق الدكتور عبدالفتاح برکه جیوشی، برکه ضمن کتاب فی التصوف و الأخلاق دراسات و نصوص و تحقیق فمّن کتاب المسائل المکنونه موضوعات این کتاب ضمیمه کتاب های دیگر بحث و مورد بررسی قرار گرفته است. و موضوعات آن در رابطه با مرید و وسایل سلوک است و در رابطه با عداوة نفس است.

گفته: «مکر» یعنی چه؟ تفسیر مکر برای آن کس که این کلام را به کار می‌گیرد بیش از حد فهم او پیچیده است.

۴۷- معرفة الاسرار

نسخه: قسطنونی (۸) ۲۸۱۳ (گ ۱۶۴ پ، ۱۳۳ پ) (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۵۶/۱) به کوشش دکتر جیوشی در سال ۱۹۷۷ م در مصر انتشار یافت. (سایح، ۲۰۰۶، ۴۴۹/۱) کل کتاب در ۹۵ صفحه است در دو قسمت تنظیم شده است در کتاب معرفه اسرار تأکید دارد که مقام انبیاء از مقام اولیا برتر است. (که در فصل عقاید مفصل بیان می‌گردد) (کبیر، ۱۳۸۵، ۷۲/۱)

۴۸- کتاب المناجاة

نسخه الازهر، مجموع ۵۷۸۹ (گ ۱۳۰ پ ۱۰۱ پ، ق ۱۰ یا ۱۱ ه) (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۶۱/۱)

۴۹- تحصيل نظائر القرآن

نسخه خطی، اسکندریه، بلدیہ ۳۵۸۵، ۲ (گ ۷۹-۴۸-۵۹۳ ه) نگهداری می‌شود و به تحقیق استاد حسنی نصر زیدان در دار سعادت در قاهره (۱۳۹۰ ه. ق) انتشار یافت. به طور خلاصه نتیجه گرفته است که: اگر چه نفس معمولاً به طور کامل روی در دنیا و وسوسه‌های آن دارد انگیزه‌ای نیز در او برای حرکت به سوی عالم بالا هست. این انگیزه یا سائقه عبارت از قوه‌ای است که ترمذی، با بهره‌گیری از قرآن ۴/۷۵ آن را بصیرت می‌نامد. مطابق برداشت وی، بصیرت نیرویی ذاتی برای شناخت خداوند است که در نفس همه انسان‌ها وجود دارد.

۵۰- نقد اثر مقاتل از دیدگاه ترمذی

ترمذی، در مقدمه بسیار کوتاه این کتاب، نامی از مقاتل نمی‌برد، ولی کتاب مورد بررسی خود را کتابی در باب وجود و نظایر قرآن معرفی می‌کند.

۵۱- کتاب الی محمد بن الفضل

در سال ۱۹۹۲ راتکه تحقیق و در سال ۱۹۹۶ به ترجمه رسانده است. درباره عناوین ذیل بحث می‌کند پاسخ‌های ترمذی به پرسش‌های محمد بن الفضل است

(هیشم، ۱۰۶/۱)^۱

۵۲- رساله فی بیان احکام نوروز

این رساله به نام نوروز نامه نیر شهرت یافته است. نسخه: عاشر ۴۳۰ (گ) ۹۶ پ - ۹۵ پ
- ۱۰۶۸ هـ) (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۶/۱).

۵۳- احکام سالنامه

نسخ: تاشکند، ۳۸۳۹ (گ) ۳۳۷ ر - ۳۳۵ پ) (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۶/۱).

۵۴- کیفیت الصلاة

نسخه: قاهره، مجموع ۱۲۵ (گ) ۲۱۲-۴۱۸-۶۰۸ هـ) (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۶/۱).

۵۵- مختارات کتاب الصفاء

نسخه: چستریبیتی ۴۴۵۹ (مجموعه ق ۹ هـ) (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۶/۱).

۵۶- مسأله فی الصبر

نسخه: چستریبیتی ۴۴۹۵، مجموعه، ق ۹ هـ (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۶/۱).

۵۷- مسأله فی وصف المنفردین

نسخه: آنکارا، صائب، ۱۵۷۱ (گ) ۲۹ پ، ۵۹۳ هـ) (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۶/۱).

۵۸- مسأله فی الشکر و الصبر

نسخه: آنکارا، صائب، ۱۵۷۱، رگ، ۴۲، ۳۵ پ، (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۶/۱).

۵۹- مسأله اخری سئل عن عبدین احدهما فی نعمت و الاخره فی شده

نسخه: آنکارا، صائب، ۱۵۷۱، (گ) ۴۳-۴۲) (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۶/۱).

۱- لیاقوت الرومی الحموی، ۱۳۲۳ هـ/۷۱۳، ابن عمادالبلیخی، ۱۳۹۹ هـ/۲۸۲، - للامام الیافعی، ۱۳۳۸، ۲۷۸/۲ - لابی الفرج ابن الجوزی، المنتظم ۱۳۵۷ هـ/۲۳۹/۶).

۶۰- مسأله شرح و تفسیر سوره ۴۷ / آیه ۱۹

نسخه: آنکارا، صائب ۱۵۷۱، (گ ۴۴ / ۴۳ / ۵۹۳ هـ)
در باره عناوین ذیل بحث می کند در رابطه با «عمال» و منازل عرفانی ایشان در بهشت در ۹ گروه طبقه بندی شده اند است. (سزگین، ۱۳۸۰، ۱ / ۹۶۲).

۶۱- عبودیت در دنیا و رهایی در آخرت

نسخه: آنکارا، صائب، ۱۵۷۱ (گ ۴۴ / ۴۵) (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۶۲).

۶۳- مسأله در این باره که نشان عشق چیست؟

نسخه: آنکارا، صائب، ۱۵۷۱، (گ ۴۶ پ، ۴۶ / ۵۹۳ هـ) (سزگین، ۱۳۸۰، ۱ / ۹۶۲).

۶۴- مسأله درباره آنان که از همه به خداوند نزدیک ترند.

نسخه: آنکارا، صائب، ۱۵۷۱، (گ ۴۸، ۴۶، ۵۹۳ هـ) (سزگین، ۱۳۸۰، ۱ / ۹۶۲).

۶۵- المسائل الغضبه

نسخه: لایپزیک ۱۲۱۲ (در یک مجموعه) (سزگین، ۱۳۸۰، ۱ / ۹۶۲).

۶۶- مسائل التي سألها اهل سرخس

نسخه لایپزیک ۲۱۲ مجموعه (سزگین، ۱۳۸۰، ۹۶۳) ویراستار برندراتکه در سال ۱۹۹۴ در بیروت. (راتکه، اورکین، ۱۳۷۹ / ۱۶).

مسأله این نیست که تلاش کنیم نفس و جوارح را به طور ظاهری تسلیم انضباطی مناسب کنیم بلکه هدف دگرگون کردن واقعی نفس است. مهم ترین ویژگی (یا خُلق، جمع: اخلاق) نفس شهوت است که با شش اخلاق دیگر همراه است.
مثل دیگری از شیوه خاص ترمذی در منسوب داشتن بُعدی اخلاقی - روان شناختی به پدیده های مادی - شیوه ای که به هنگام عرضه داشت. (راتکه، اورکین، ۱۳۷۹، ۸۳-۸۷).

۱- عشق عرفانی و الهی، همواره با عقل روبروست؛ با او گفتگو و مناظره و برابری می کند و در این مناظره و مبارزه همیشه عشق پیروز است و عقل را شکست می دهد. در هر حال عقل استدلالی بازدارنده است اما عشق، محرک، مایه تزکیه نفس و سبب شناخت خدا و حقیقت است. (سجادی، ۱۳۷۲، ۳۰۱-۳۰۲).

۶۷- مسأله فی اهل مراتب القيامة

نسخه: لایبزیك ۲۱۲ (يك مجموعه) (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۶۳).

۶۸- باب فائده غریزه و جیزه

نسخه: آنکارا، صائب ۱۵۷۱، (گ ۴۶ پ، ۴۶ - ۵۹۳ ه).
در این باره که چگونه، پیشامدهای بی‌اهمیت، تأملات دینی را در عرفا برمی‌انگیزد.
(سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۶۲).

۶۹- باب ماذکر فی الاسماء

نسخه: بنگال (۳) ۱۰۵۶، (گ ۸۸-۹۹ ق ۱۱ه) (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۶۳).

۷۰- باب ماذکر فی الشکر و الصبر (با قبلی متفاوت)

نسخه: بنگال (۳) ۱۰۵۶ (گ ۹۹-۱۰۴) (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۶۳).

۷۱- باب فضل العلم و صفته و صورته

نسخه: بنگال (۳) ۱۰۵۶ (گ ۱۱۶-۱۰۴) (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۶۳).

۷۲- باب بیان علم التقوی

نسخه: بنگال (۶) ۱۰۵۶ (گ ۱۱۶-۱۲۸)، (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۶۳).

۷۳- عرس العارفين

نسخه: بنگال (۷) ۱۰۵۶ (گ ۱۲۸-۱۳۴) (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۶۳).
درباره با مراتب السالکین و مقامات آنان و احوال آنان است تعداد صفحات این کتاب بسیار
زیاد که حد مختصر ۲ قسمت در باره با مقامات و احوال بررسی می‌گردد.

۷۴- باب الولاية و التقوی

نسخه: بنگال ۸، ۱۰۵۶، (گ ۱۳۸-۱۳۴). (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۶۳).

۷۵- باب ماذکر فی التسیح و التحمید و التهلیل و التکبیر

نسخه: بنگال (۹) ۱۰۵۶ (گ ۱۳۸-۱۵۱) تحقیق دکتر جیوشی چاپ مجله منبر اسلام شمار
۶ سال ۳۸. کلمه لاله الا الله اعتقاد قلبی به آن لازم است و اعتراف نطقی به آن علاوه بر اعتقاد

بر قلب انطباق بر زبان لازم است اعتقاد قلبی نفی قدرت از هر چیزی است که بتواند ضرر یا نفعی برساند جز او انطباق زبانی توکل در رزق - تفویض در حوائج صبر در هواهای نفسانی - قناعت در خواسته‌ها - فرمانبرداری در بندگی - و حفظ جوارح (جیوشی، ۳۸، ۱۳/ ۱۸۱-۱۸۱).

۷۶- باب فی المروه

نسخه: بنگال، (۱۰) ۱۰۵۶، (گ ۱۵۷-۱۵۱) (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۶۳).

۷۷- باب ماذکر فی اسم الله

نسخه: بنگال (۱۲) ۱۰۵۶ (گ، ۱۷۰-۱۶۹) (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۶۳).

۷۸- فی الشکر

نسخه: بنگال (۱۳) ۱۰۵۶ (گ ۱۷۲-۱۷۰) (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۶۴).

۷۹- کتاب الی بعض اخوته

نسخه: لایتزیک ۲۱۲ مجموعه (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۶۱).

۸۰- الحکمة

این کتاب به نام الحکمة من علم الباطن هم شهرت یافته است. به صورت نسخه خطی خراجچی ۸۰۶ (گ ۲۰ پ- ۱، ۷۱۴ ه) است. (سزگین، ۱۳۸۰، ۱/ ۹۶۰).
و به طور خلاصه نتیجه گرفته که: علم الحروف به عنوان بخشی از حکمت علیا یا اصول الحکمة مورد بررسی است.

عقاید

- حکیم ترمذی و ملامتیه

یکی از طریقه‌هایی که در تصوف و در قرن سوم پدید آمد و در طول تاریخ تصوف اهمیت زیادی پیدا کرد، فرقه‌ای بود به نام ملامتیه یا ملامیه (عقیقی، ۱۹۴۵، ۳۳۴). در این فرقه حکیم مریدانی داشت که به علت مراودات و مکاتبات زیاد با آنها، ابتدا به معرفی فرقه ملامتیه و سپس به نقش و نظر حکیم در خصوص این فرقه می پردازیم.
«ریشه‌های تفکر ملامتی را می توان در آراء و معاملات پاره ای از عارفان قرن دوم مانند

فضیل بن عیاض پیدا کرد. ابو حفص حداد و حمدون قصار و ابو عثمان حیری از پایه گذاران یا از مشایخ اولیه ملامتیه بودند. مشی ملامتیه را در این قرن می توان بر شیوه ای اطلاق کرد که زهد در آن غلبه داشت و همان آداب و رسوم آن درباره مجاهده و ریاضت نفس بود. هدف اصلی این فرقه محوذات و از میان بردن غرور انسانی و خاموش ساختن آتش ریا بود.^۱

زمان آشنایی حکیم ترمذی با فرقه ملامتیه، به عظمت او از بلخ به نیشابور برمی گردد و با آنکه با تنی چند از سران این فرقه مراوده داشت با این رویه مخالف بود.^۲

در میان رسالات و نامه های بسیاری که ابو عبدالله محمد بن علی حکیم ترمذی نوشته است، نامه ای به چشم می خورد که وی در آنها به پرسش هایی از سوی افراد سرشناسی پاسخ گفته است. از جمله این نامه ها یکی خطاب به ابو عثمان حیری، شیخ ملامتی نیشابوری و دو نامه دیگر خطاب به محمد بن فضل، اهل سمرقند و یکی از یاران ابو عثمان می باشد.

هر یک از سه نامه موجود، که به نظر می رسد ترمذی آن ها را در پاسخ به بحث ها یا پرسش های مخاطب هایش درباره جنبه «روان شناختی» طریقه عرفانی (یکی به عثمان و دو تا به محمد بن فضل) نوشته است، به صورت نقدی بر نظامی به نظر می رسد که به سبب توجه بیش از حد به جنبه های منفی و ملامت آمیز نفس از مسیر صحیح منحرف شده است.

اعتراض های ترمذی به اشتغال بیش از حد به نفس در سلوک عرفانی اینجا و در نامه های دیگر و نیز در بسیاری عبارات در سرتاسر نوشته هایش بیان شده است. او در نامه خود به ابو عثمان اساس شناخت و رویکرد خود را در مورد نفس ارائه می کند؛ طبق این شناخت نفس مرکز کیفیات منفی: شهوت، هوی، ترس، خشم، شک، بت پرستی، و نسیان است. تبدیل این کیفیت های منفی به کیفیت های مثبت ممکن است. لیکن این تبدیل فقط به واسطه قلب امکان پذیر است، یعنی با استفاده از توانایی قلب در دیدن «حقیقت امور» عامل تیرگی دید قلب کیفیات منفی نفس است که باعث می شود پرده ای بین چشم دل و حقیقت بیفتد. این دور باطل را می توان به کمک ایمان که در قلب جای دارد شکست. ایمان با عنایت الهی تقویت می شود و نور آن به تدریج شدت می گیرد. وقتی نور ایمان در دل شدت گرفت، تأثیر آن پرده حائل ضعیف تر می شود، و با این ضعیف تر شدن ذات اشیاء نزد قلب روشن تر و مرئی تر می شود. وقتی قلب ذات اشیاء را می بیند ایمان دستخوش تبدیل می گردد و به صورت یقین در

۱- عقیقی، ص ۳۳۷.

۲- دایرة المعارف الاسلامیه، ج ۵، ص ۳۰۴.

می‌آید. در این مقام که قلب به یقین رسیده است، تبدیل کامل صورت می‌گیرد. هوای نفس شوق به خدا، ترس ترس از خدا، خشم خشم به خاطر خدا، شهوت عشق به خدا می‌شود؛ شک به یقین، بت پرستی به وحدت خالص و نیشان به عزم تبدیل می‌شود.

گرچه تعالیم حکیم ترمذی پیرامون همان مسائل و موانع روان شناختی که ذهن ملامتیه را به خود مشغول داشته بود دور می‌زد، ظاهراً مدافع رویکردی کاملاً متفاوت است. اشتغال بیش از حد به نفس، بدون توجه به اهمیت آنان در خشتی کردن تلاش‌های صادقانه برای اهداف معنوی و عبادی، مادام که توجه به طالب فقط بر آن [نفس] متمرکز است، به جایی نخواهد رسید. روش ترمذی، چنانکه در نامه اش تکرار می‌کند، مبتنی بر «علم بالله» است، در صورتی که روش ابوعثمان و مکتب نیشابور که به نام ذکر از آن‌ها نرفته ولی بی تردید به طور ضمنی به آن‌ها اشاره شده است بر پایه «علم بالنفس» قرار دارد. ترمذی می‌گوید، اگر کسی توجه خود را بر معرفت نفس متمرکز کند، هرگز از آن‌ها رهایی نخواهد یافت، «اگر کسی خود را به علم عیوب نفس مشغول دارد، تمامی عمرش را در تلاش برای نجات از آن سپری خواهد کرد (فان اشتغل العبد بمعرفت العیوب بقی عمره فیها و فی التخلص منها) از سوی دیگر، چنانچه کسی توجه خود را بر معرفت خدا متمرکز کند، قلب قوت بیشتری می‌گیرد و دید او از الهامات الهی روشن‌تر می‌شود. این الهامات قلب او را احیا می‌کنند، «وقتی نفس به سبب تأثیر الهامات الهی، پاوپس کشید، قلب را خداوند نیرو و زندگی تازه می‌بخشد؛ آن‌گاه دیگر چه عیبی باقی می‌ماند؟»^۱.

ترمذی به پرسش محمدبن فضل درباره نحوه حصول معرفت پاسخ می‌دهد. اینجا ترمذی در انتقاد از کسانی که تمامی عمر را بر سر خریدن ملامت برای نفس خود می‌گذرانند، با لحنی سازش‌ناپذیر طعنه‌های تند و تیزی می‌زند (جالب است که ترمذی به جای (ملامت) از واژه‌های ذم و لوم استفاده می‌کند). اینکه [بعضی] فکر می‌کنند با این شیوه می‌شود نفس را از دور خارج کرد توهم محض است. نفس حيله‌گر و نیرنگ باز است. ابزار را که سعی می‌کنی با آن نفس را از بین ببری، به سود خود می‌گرداند. ذات آن لذت و شادی است. وقتی شخص می‌کوشد تا با آن بجنگد، نفس از همین کوشش لذت می‌برد. اگر این کار بر سر جمع صورت گیرد، نفس به واسطه جلب تحسین و احترام مردم قوت خواهد گرفت. لذا،

۱- سلمی، صص ۲۱۶-۲۱۲.

تمامی این کوشش‌ها بی ثمر خواهد بود. کسی که چشم واقع بین دارد می‌داند که سد نفس را نمی‌توان با معرفت نفس یا با ملامت کردن نفس از سر راه برداشت. تنها خالق نفس است که می‌تواند آن را از میان بر دارد. کسی که این معنی را می‌داند به خدایی پناه می‌برد که بی او پناهی نیست.^۱

اندیشه‌های ترمذی در طریقه نقشبندیه هم تأثیر فراوان نهاده است. خواجه بهاء الدین بخاری معروف به نقش بند هنگامی که از مبادی احوال و سلوک خویش حکایت می‌کرد و اثر توجهات خود را به ارواح طیبه مشایخ کبار بیان می‌کرد می‌گفت: هرگاه توجه روحانیت قدوة الاولیاء خواجه محمدبن علی، حکیم ترمذی نموده شدی، اثر آن توجه ظهور بی صفتی محض بودی، و هر چند در آن توجه سیر افتادی هیچ اثر نکردی و صفتی مطالعه نیفتادی.^۲

یکی از مواردی که در حدود اواسط قرن سوم و شاید قدری جلوتر میان بعضی از مشایخ صوفیه، بخصوص بغدادیان، مطرح شده عهد الست می‌باشد. ظاهراً همه کسانی که اهل معرفت و علم باطنی بودند و بعداً نام ایشان در طبقات صوفیه درج شده است به این موضوع توجه خاصی نشان نداده‌اند. مثلاً از ابوبکر وراق ترمذی و حکیم ترمذی و ملامتیان نیشابور مانند ابو حفص حداد و ابو عثمان حیری و حمدون قصار چیزی درباره عهد الست تا کنون به دست ما نرسیده است. اما وقتی از نیشابور به طرف غرب حرکت می‌کنیم، و سهل تستری، و در بغداد ابوسعید خراز و یحیی بن الادمی و از همه مهمتر جنید بغدادی نامشان در زمره نخستین کسانی قرار می‌گیرد که درباره عهد الست از دیدگاه عرفانی سخن گفته‌اند.^۳

حکیم ترمذی خود نه تنها به مکتب نیشابور بلکه به هیچ مکتب عرفانی دیگری تعلق نداشت. به نظر می‌رسد او زندگی عرفانی و ادبی خود را دور از مراکز آن زمان نگه می‌داشته است. حکیم ترمذی از اینکه شخص در سیر عارفانه خود، به جای خالق بر مخلوق اتکا کند، صریحاً ابراز تردید می‌کند.^۴

- خاتم الاولیاء

یکی از مباحثی که در نوشته‌های حکیم ترمذی به چشم می‌خورد، خاتم الاولیاء است.

۱- لویزن، ج ۱، ص ۱۷۰.

۲- ابن عربی، باب هفتاد و سه، ص ۱۵۹.

۳- خرمشاهی، ص ۲۰۸-۲۰۷.

۴- انصاری، ص ۴۳۴.

صوفیان به الهام از عقیده خاتم الاولیاء، مطرح کرده اند که اولیاء هم خاتمی دارند این مسئله باور مشترک صوفیان نیست، بلکه میان بعضی صوفیه دیده شده است؛ لذا اولین کسی که این اعتقاد را مطرح نموده، حکیم ترمذی است. ایشان معتقد است:

«حضرت پیامبر(ص) پای صدق را پیشتر از همه پیامبران نهاده است. او خاتم همه پیامبران است. بعد از وفات او چهل کس در جای او قائم می شوند. زمین با وجود آنان قائم می ماند. آنان اهل بیت رسول خدایند. نه به اعتبار نسب، بلکه فقط به اعتبار ذکر اهل بیت اویند. هر کس که به ذکر رسول اله پناه برد اهل بیت اوست. اگر یکی از آنان بمیرد، فردی از امت جای او را می گیرد. چون شمار آنان به پایان رسد و زمان زوال دنیا فراز آید، خداوند یک ولی می فرستد. این ولی را برگزیده و به خود نزدیک کرده است. او تا روز قیامت، حجت خدا بر اولیای دیگر است. او صدق ولایت دارد، چنان که حضرت محمد(ص) صدق نبوت داشت. شیطان نمی تواند بر او چیره شود، نفس نمی تواند او را از ولایت بازدارد و به لذات فرود آورد.

این خاتم الاولیاء سید همه اولیاست. چنانکه حضرت محمد(ص) سید انبیاست، او هم سید اولیاست. این ولی در ذکر اول در علم اول، در مشیت اول در مقادیر اول، در لوح محفوظ اول، در میثاق اول، در محشر اول، در خطاب اول، در شفاعت اول، در جوار اول، در ورود به بهشت اول، و در زیارت اول است. چنان که حضرت محمد(ص) همه جا پیشگام پیامبران است. او هم پیشگام اولیاست. اولیای دیگر سر حضرت پیامبرند، این ولی به مثابه گوش اوست.»^۱

خاتم الاولیا آخرین ولی است که نزدیک به قیامت خواهد آمد. شاید خود او را چنین ولیی پنداشته است. زیرا از بیانات او در کتابش خاتم الاولیا برمی آید که رویاهایی که زن او و دیگر کسان درباره او دیده اند، چنان است که گویی او را به این اندیشه سوق داده اند. به سبب حوادثی که بعد از حضرت پیامبر(ص) روی داد، انسان های هر دوره ای در اندیشه نزدیکی قیامت بودند. شاید حکیم هم روزگار خود را نزدیک قیامت می دید و خود را آخرین ولی می پنداشت. هر چه باشد او اولین بار اندیشه ختم ولایت را عنوان کرده است. پس از وی دیدگاه های جسارت آمیزی درباره این نظر مطرح شده است.

حکیم ترمذی می‌گوید: بعد از رسول خدا چهل کس به جای او خواهند نشست، چون شمار آنان به پایان رسد، یک نفر جای همه آنان را خواهد گرفت. این شخص خاتم اولیاست. معلوم می‌شود که تا آن زمان هنوز جز این چهل تن، تعبیری چون امانا، قطب و اوتاد وجود نداشت. چهل تن با هم کار می‌کردند. آنان قطب نداشتند. پس این تعبیر بعدها پیدا شده است. بعدها رئیس همه آنان را قطب نامیده‌اند. در حالی که به نظر حکیم ترمذی آن که متأخران قطب نامیده‌اند، با انقراض این چهل تن نزدیک قیامت خواهد آمد. او خاتم اولیاست که مقام ولایت را اشغال خواهد کرد.^۱

بعد از حکیم ترمذی، بزرگترین هوادار این ادعا ابن عربی بوده است. ابن عربی که فرسنگ‌ها از گام‌هایی که حکیم برداشته بود، فراتر رفته و خود را خاتم الاولیاء دیده است، خاتم اولیاء را برتر از خاتم‌الانبیاء دانسته و عنوان کرده است که انبیاء از خاتم الاولیاء علم و نور کسب کرده‌اند. به نظر او نبوت در ولایت ادامه یافته است. نبوت قطع می‌شود، ولی ولایت قطع نمی‌شود. نبوت به صورت ولایت ادامه می‌یابد. پیامبران نیز در عین حال ولی هستند. چون ولایت عامتر است، همه پیامبران از خاتم الاولیاء نور می‌گیرند. بیان خود او عیناً چنین است: «این علم جز برای خاتم پیامبران و خاتم اولیاء نیست. زیرا که رسالت و نبوت یعنی نبوت تشریحی و رسالت آن منقطع می‌شود، ولی ولایت هرگز منقطع نمی‌گردد. و پیامبران به سبب آن که ولی هستند، آنچه را که ما گفتیم، نمی‌بینند، چه رسد به اولیاء که فروتر از آنان هستند. اگر چه اولیاء در حکم تابع آن چیزی است که خاتم‌الانبیاء آورده است و در تشریح، این، طبعی بر مقام او نیست و متناقض با چیزی نیست که ما بر آنیم. زیرا او به یک وجه فروتر (از پیامبر) است، کما اینکه به یک وجه دیگر فراتر است. لازم نیست که کامل در هر چیز و هر مرتبه مقدم باشد. نظر مردان به تقدم در مرتبه علم الهی است. خواسته آنان این است.»^۲

به نظر صوفیه که هواداران خاتم الاولیا بودند، ولایت باطن نبوت است. نبوت خبر دادن از احکام ظاهری دین و شریعت است، باطن آن به جای آوردن آن احکام با تصرف در تصوف است. اگر خبر دادن (انباء) از نظر نبوت به پایان رسیده باشد، ولایت از نظر تصرف در نفوس ادامه دارد. زیرا اولیایی که بعد از حضرت محمد(ص) آمده‌اند، تصرف او را دارا هستند.

۱- ترمذی، صص ۳۶۷-۳۷۴.

۲- همان.

حضرت محمد(ص) به واسطه آنان در میان مردم تصرف می‌کند. همانگونه که نبوت در عالم خارج دایره ای متشکل از پیامبران پدید می‌آورد و این دایره با نقطه حضرت محمد (ص) خاتمه می‌یابد، ولایت نیز در عالم خارج دایره‌ای از اولیا تشکیل می‌دهد و این دایره با آخرین ولی پایان می‌یابد. خاتم الاولیاء در حقیقت چیزی جز خاتم الانبیاء نیست. یعنی خاتم الانبیاء در صورت ولایت به واسطه افراد گوناگون به تصرف او ادامه خواهند داد، همان گونه که نبوت در صورت حضرت محمد (ص) به پایان رسیده است. ولایت او نیز در آخرین ولی خاتمه خواهد یافت. در نسبت به حضرت پیامبر (ص)، دیگر پیامبران و اولیاء یکسان‌اند، زیرا که همه آنان در دایره نبوت و ولایت او، هر یک نقطه‌ای و مظهری هستند. خود دایره اصلی حقیقت محمد (ص) است. به این دلیل او گفته است که «علمای امت من چون پیامبران بنی اسرائیل‌اند»^۱.

لازم به ذکر است که در میان صوفیان درباره نظریه خاتم اولیا اتفاق نظر نیست. همه آنان این نظر را نپذیرفته‌اند. «بدان که خداوند عالم را با خلیفه حفظ می‌کند، همان طور که خزاین را با ختم نگه می‌دارد و او قطب است که در هر عصر بیش از یک تن نیست. آغاز آن با آدم(ع) بود و پایان آن با عیسی(ع) خواهد بود. بنابراین آخرین ولی را که خبر داده‌اند، نزدیک قیامت خواهد آمد، عیسی(ع) دانسته و پذیرفته‌اند»^۲.

- اولیاء الهی از دیدگاه حکیم ترمذی

از آثار و نتایج سلوک الی‌الله ولایت است و بزرگان صوفیه (تصوف) در گذشته و حال با حکیم ترمذی در دو قرن دوم و سوم هجری بدان توجه داشته‌اند. حکیم ترمذی هدف از سلوک را ولایت دانسته و به همین سبب آن را محور فلسفه عرفانش و قطب بزرگترین نتایجش گردانده است و آن حتی در نام کتاب هایش مثل علم الاولیاء و ختم الاولیاء و سیره الاولیاء ظاهر است و با پیدایش سلوک صوفیانه پس از قرن سوم هجری ولایت اهمیت خاصی یافت به طوری که هدف آشکار و نهان سلوک سالکان گردید.^۳

اولیای الهی نزد حکیم آنهایی هستند که خداوند در گِل آنها را با محبت خویش سرشته

۱- همان، صص ۳۶۷-۳۶۷.

۲- همان، ص ۴۲۱.

۳- سعاد الحکیم، ص ۱۲۳۳.

است و دل‌هایشان را سیراب از محبت خویش کرده آنها کسانی‌اند که نیازشان در دو سرا مولود خالق آنهاست که محبت او مالک قلب‌هایشان شده و هیچ چیزی غیر او قادر نیست که مالک آنها بشود.

ولایت دارای معانی لغوی و اصطلاحی زیادی است که فرهنگ‌های عربی بدان توجه و اهتمام داشته‌اند. اما آنچه که توجه مان را بدان جلب می‌کند واژه «وَلّی» است که جایز است فعلی به معنی مفعول بگیریم آن طور که خداوند بزرگ فرموده: (واو دوستدار صالحان است) زیرا خدای بزرگ به خاطر افعال و اوصافش بنده‌اش را رها نمی‌کند و او را در سایه‌سار خود حفظ می‌کند و نیز می‌توان وَلّی را فاعیل به معنی مبالغه در فاعل دانست زیرا بنده دائماً او را اطاعت کرده بر رعایت حقوقش مداومت داشته و از غیر او اعراض دارد پس این مرد است و آن مراد. و تمام این معانی جایز است که از جانب حق بر بنده و از جانب بنده بر حق باشد زیرا که او و دوستداران خویش را یاری می‌کند. او به دوستداران خویش از صحابه و پیامبر و عده داده «آگاه باشید که پیروزی خداوند نزدیک است» و نیز فرموده «کافران را سرپرست و یآوری نیست» و از آنجا که یآوری برای کافران نمی‌باشد به ناچار او یاور مؤمنان است و آنها را یاری می‌کند.^۱

حکیم ترمذی برای ما بیان می‌کند که وَلّی کسی است که خداوند یاور اوست پس خدا او را برگزیده و نزدیک به کلام ترمذی سخن کلابادی است که بیان کرده که: «ولایت همان برگزیدن و آماده ساختن است و شناخت این موضوع درخور است». و دارنده صفت ولایت بهره‌مند از بلایا و آیات بشری می‌باشد هرچند که طبع بشر بدان استوار است، و در آن باقی است و وی لذتی از لذت‌های نفس را شیرین نمی‌یابد آن شیرینی که او را در دینش بیازماید و شیرینی طبع به آن وابسته است و این است اساس ولایتی که از جانب خداوند بر بنده‌اش است.

خداوند پیامبری را به او ختم کرد، با پیروی از او جوانمردی را بر پا و زنده داشت و حجت را با او تمام کرد و او را رحمت عالمیان مبعوث نمود و هر بلایی را از او دور کرد و نعمتش را با او تمام یعنی پیامبرش حضرت مصطفی بر او و خاندانش درود باد که اهل صدق و صفا هستند و اهل محبت و وفا هستند و بر همسرانش که عفیف و پاک بودند. هیچ پناهگاه

۱- سایح، ص ۴۲۶.

و نجاتی از خدا نیست و او ولی هر مومنی است و بهترین مولا اوست و درود خدا بر پیامبر م حضرت محمد و آل و اصحابش باد. و بر او لباس کرامت از خزائن فضلش می پوشاند و پشت او را با نعمت و توفیقش محکم می کند و با تاج ولایتش به او توجه می کند و او را با آب نیکی و دوستی اش می شوید پاکی او را از دریای هدایتش افزون می کند و او را از شیرینی ذکر و محبتش غذا می خوراند و از شراب ظهور در جام توحید از دریای تفرید به او می نوشاند که آمیخته به شیرینی وصال اوست تا اینکه قائم بالله می شود و جان او از غیر خدا غایب می شود. پس او هنگام ظهور عزت خدا خوار و ذلیل می شود و هنگام دیدن یاری اش را از سختی و تکلف از هم می پاشد. پس نفس او در خدمت به خدا بنده محجور یا بینوای مغضوب یا مانند اسیر گرفتار سپس پروردگارش با نگاه رحمتش به او می نگرد و کرامات مخصوصش را از خزائن ربوبیت بر او نثار می کند تا اینکه در جایگاه حقیقت عبودیت می ایستد و خداوند او را به این سبب بی نیاز می کند سپس او را به خود نزدیک می کند و صدا می زند و کرامت می کند و او را نام می نهد و بر او لطف می کند و او را دعوت می کند و چون صدای او را بشنود نزد او می آید. پس خدای بزرگ او را تأیید می کند و تقویت می نماید و به او پناه می دهد.^۱

هجویری ذکر می کند که اساس و قاعده تصوف و معرفت بر پایه ولایت استوار است زیرا تمام مشایخ صوفیه در اثبات آن متفق القول هستند با این تفاوت که هر کدام از آن‌ها در این رابطه عبارتی متفاوت دارد. حکیم ترمذی این عبارت را به شکل «حقیقت الطریقه» بکار می برد.

ابن عربی آنگونه که در متن فتوحاتش آورده اشاره به این دارد که حکیم ترمذی صاحب نظریه‌ای در ولایت است، و شایسته است به خاطر آن به وی لقب «امام صاحب ذوق تمام» را داد.

دو طایفه با نظر حکیم ترمذی و صوفیه دال بر وجود اولیاء الله مخالفت کرده‌اند که عبارتند از:

گروه اول: معتزله که انکار می کنند که خداوند از بین مؤمنان یک نفر را برگزیند و اگر ولی را نفی کنند درحقیقت برگزیدن پیامبر را نفی کرده‌اند و این باطل است.

۱- ترمذی، صص ۹۹-۱۰۳.

گروه دوم: حشویه هستند که اینها برگزیدن را جایز می‌دانند اما بر این باورند که آنها بوده‌اند و اکنون نیستند.

همجویری این سخن حشویه را رد می‌کند با آنچه که ذکر کرده: انکار گذشته و آینده هر دو یکسان است زیرا یک ظرف از انکار بر طرف دیگر آن برتری نداشته و سزاوارتر نیست. بعد از این مورد به حکیم ترمذی باز می‌گردیم و می‌بینیم ولایت نزد او مرتبه‌ای از مراتب قرب الهی است که سالکان به آن می‌رسند و در آن حضرت حق بر بنده سالک ولایت داشته پس ولی آن است که خداوند برایش ولایت را احیا می‌کند و بهره‌ای برایش قرار داده است. پس ولایت نزد حکیم اکتسابی نیست بلکه یک انتخاب الهی است که خداوند سبحان او را برمی‌گزیند و این بدان معنی نیست که تلاش و کوشش بشری نقشی ندارد بلکه تلاش و کوشش بشری و آماده‌سازی خویشتن و بهره‌مندی از این سنت الهی نقش دارد.^۱

قرآن و سنت پیامبر نیز درباره دو کلمه وکی و اولیاء سخن گفته و این خود اهمیت ولی و اولیاء را می‌رساند. خداوند بزرگ فرمود، «آگاه باشید که اولیاء الهی را هیچ غم و اندوهی نیست) رسول خدا فرموده است که: آن کس که با یک نفر ولی دشمنی ورزد من با او اعلان جنگ می‌کنم.^۲

پس روشن شد که خداوند دارای اولیاء و دوستانی است که آنها را به ولایت و محبت خویش مخصوص گردانده و آنها اولیاء فرمانروایی اویند که برگزیده شده‌اند و آنها را نشانه اظهار فعل خویش گردانده و به انواع کرامت‌ها مخصوص ساخته و آنان را از بلاها و آفات طبع پاکیزه ساخته و از متابعت هوای نفس خالصشان گردانده، پس هیچ هم و غمی غیر از او و هیچ مانوسی غیر از او برای آنها نیست آنها در قرن‌های گذشته قبل از ما بوده‌اند الآن نیز هستند و تا روز قیامت نیز خواهند بود. زیرا خداوند بزرگ این امت را بر سایر امت‌ها برتری داده است و تضمین کرده که آیین محمد «ص» را حفظ نماید و تا زمانی که برهان خبری و دلایل عقلی در بین دانشمندان امروزه باشد پس باید که برهان عینی نیز در بین اولیاء الله و برگزیدگان او باشد بنابراین ولایت وجود دارد و شواهد قرآن و سنت پیامبر نیز دلیل بر آن است.^۳

۱- سایح، صص ۴۲۹-۴۲۸.

۲- سایح، ۴۲۷.

۳- همان، صص ۴۲۹-۴۲۷.

- نبوت و ولایت

نبوت به طور اعم به معنی خبر دادن، و به طور اخص از دیدگاه حکیم ترمذی به معنی کنار رفتن حجاب، یا وقوف بر اسرار غیب، خدا را شناختن و به نور الهی با چشم بصیرت به ماهیت پوشیده اسرار و اشیا نگریستن است. با آن که در آغاز در این باب چندان توجیحات فلسفی نبود، به مرور زمان توضیحات ماهیتی فلسفی به خود گرفته است. هر پیامبری از آدم(ع) تا حضرت پیامبر(ص)، تظاهری از نبوت روح اعظم است. این نبوت گذرا است، محدود به زمان است. هر پیامبر مظهري از یک اسم و یک صفت خود تجلی کرده است. اما در حضرت محمد(ص) با تمام ذات، صفات و اسمای خود تجلی شده است. نبوت با او خاتمه یافته است. اگر چه رسول(ص) به ظاهر بعد از دیگر پیامبران است، در حقیقت مقدم بر آنان است. گفته است: «نحن الاخرون السابقون»: ما پیشگامان متأخریم. «كنت نبياً و آدم بين الماء و الطين»: زمانی که آدم میان آب و گل بود من پیامبر بودم. در روایتی «بين الروح و الجسد» یعنی هنوز آدم در روح و جسد نبود که او پیامبر بود. زیرا که نبوت روح اعظم پیش از آفرینش ارواح بود. به ظاهر با بعدتر آمدن خود، نبوت را تمام کرده است.

نبی کسی است که از ذات صفات، اسما، احکام و خواست‌های خدا خبر می‌دهد. از ذات خداوند مستقیماً خبر گرفتن و دادن، مخصوص روح اعظم است. خداوند روح اعظم را ابتدا به نفس کلی و سپس به نفوس جزئی می‌فرستد. آنها از روح اعظم چیزهایی درباره ذات احدیت، صفات، اسما و احکام قدیم او فرا می‌گیرند.

متصوفان برای توضیح این مسأله دایره‌ای را مثال می‌زنند، دایره‌ای ذهنی. دایره از نقطه‌ها تشکیل یافته است. هر نقطه‌ای که از روی کاغذ نهاده شود، حقیقت آن دایره‌ای نیست که در ذهن است، بخشی مرئی از آن است. حقیقت دایره صورت کامل آن است. هر نقطه وصفی از دایره را با خود دارد. آخرین نقطه است که حقیقت کامل دایره را شامل می‌شود چون آخرین نقطه به اولین نقطه بیوندد، دایره کامل می‌شود. آخرین نقطه در عین حال دیگر نقطه‌ها را هم در خود دارد، والا آخرین نقطه نمی‌شود. به همین دلیل مظهر حقیقت دایره است. نبوت نیز چنین است. دایره‌ای موجود در غیب (عالم نهان). این حقیقت و معنی نبوت است. صورت این در عالم شهادت وجود اوست. هر پیامبری که به دنبال دیگری می‌آید، نقطه‌ای از این دایره نبوت است. آخرین نقطه حضرت محمد(ص) که حقیقت دایره با اوست، اگر به اعتبار وجود آخر است، در حقیقت اول است. روح اعظم با همه اسم‌ها و صفات دیده شده است. به نظر

متصوفه حضرت پیامبر(ص) مسئله را به این صورت توضیح داده است: «زمان گشت تا به حالت آن روزی که خدا آسمانها و زمین را آفرید، در آمد.»^۱

شخص ولی نزد حکیم ترمذی کسی است که خداوند برای او ولایت را فرض کرده است و بهره‌ای برای او قرار داده است و در سایه حفظ خداوند است که او می‌تواند ولایت داشته باشد. همان طور که پیامبری و نبوت نیز برای کسی است که بهره‌ای برای او قرار داده است و به خاطر بهره‌مندی او از جانب خداوند است که پیامبر شده و بین پیامبران در درجات تفاوت است حال آنکه همه آنها پیامبرند به همین صورت اولیاء نیز میانشان تفاوت است هرچند که همه آنها ولی هستند و نبوت آن طور که حکیم ترمذی یادآور می‌شود کلامی است که از جانب خدا جدا شده حیات‌بخش است روح الهی دارد حکم می‌کند و ختم به روح می‌باشد و قبول او در آن آمده است آن چیزی است که باید تصدیق کرد و آن را رد کند کافر شده چون که سخن خدا را رد کرده است و ولایت برای کسی است که گفتارش از خدا می‌باشد و خداست که آن را به وی می‌رساند و حدیث از اوست و حدیث آن چیزی است که از عمل آن کسی ظاهر می‌شود که در زمان مشیت ظاهر شده و آن، حدیث نفس است و این گفتار از محبت الهی در مورد این بنده است و آن همواره با حق به قلبش وارد می‌شود و قلب او با آرامش می‌پذیرد و آن که آن را رد کند کافر شده بلکه ناامید می‌شود و قلبش حیران می‌گردد زیرا این رأی برحق است.

رسالت و نبوت امانتی الهی است به معنی اینکه رسول پیامی از آسمان دریافت می‌کند و آن را به مردم می‌رساند و او نسبت به آن ملزم است و آن کس که به پیامبر یا رسول ایمان نیاورد کافر شده است زیرا که او به وحی ایمان نیاورده اما ولایت یک کرامت الهی است که با خود عناصری دارد که به آن رهنمون می‌شود محقق بر این باور است که آنچه را برخی نویسندگان ذکر کرده‌اند نیاز به بررسی دارد و دکتر ابوالعلاء در آورده است: که موضوع مفاضله (برتری) بین پیامبران و اولیاء در تصوف ظاهر شده است و اول کسی که آن را بیان کرد. صوفیان امامیه در کوفه بوده‌اند بعداً در کلام صوفیان شام ظاهر شده است و تمام اینها بر این باورند که اولیاء بر تمام پیامبران برتری دارند و نیز حکیم ترمذی هم بر این باور است دکتر ابوالعلاء آنگونه که می‌بینی بر این باور است که حکیم ترمذی اولیاء را بر انبیاء برتر دانسته است.^۲

۱- ترمذی، ص ۳۳۶.

۲- سایح، صص ۴۳۷-۴۳۰.

– شرایط ولایت از نظر حکیم ترمذی

میان پیامبران در دلها و درجه‌ها تفاوت است اگرچه تمام آنها پیامبر هستند. همچنین میان اولیاء نیز تفاوت وجود دارد. هرچند تمام آنها اولیاء هستند. حکیم ترمذی در کتاب «معرفة الاسرار» نبوت را بر ولایت برتر می‌داند و به اسلوبی که در آن اتهاماتی به او وارد شده نفی می‌کند و می‌گوید: نبوت درجه کامل چیزی که از جانب خداست قطع شدنی نیست. زیرا خداوند پایان ناپذیر است و نبوت حالتی کامل است. و آنچه افزون بر آن باشد افزون بر برتری داشتن است نه افزون بر نقصان و کمبود. همانطور که خداوند سبحان می‌فرماید: «برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیده‌ایم». پس حکیم بر جایگاه نبوت و رسالت تأکید دارد. در جایی دیگر تفاوت درجه و جایگاه بین نبوت و ولایت را از لابلای موضوع مشترکی بین نبوت و ولایت بیان می‌کند و آن موضوع مشترک سخن اوست که از اجزاء نبوت است ولی خود نبوت نیست. اجزاء نبوت مثل حدیث است و آن برترین قسمت نبوت می‌باشد. بعداً صدیق بودن الهام فراست و از اجزاء آن عقل خرد یقین و ...

حدیث برترین جزء از اجزاء نبوت است. آن مثل گوش است برای چهره، اما اولیاء دارای الهام هستند. آن کلامی است که از جانب خدا برای ولی می‌آید و اگر حکیم ترمذی تفاوت در درجه پیامبری و ولایت را از درون آنچه بین آنها مشترک است بیان کرده است از طرف دیگر نیز تفاوت قائل شده بین نبوت و ولایت از آن جهت که اینها دو درجه هستند که از طرف خدا برای برگزیدن می‌آیند همراه با تفاوتی که در این بین است بین آنچه که ولی به آن می‌رسد. خداوند برای اهل ولایت و ولایت را واجب کرده است و آنها را با روح خویش تأیید کرده است و آنها را در راه خدا ملامت هیچ ملامت‌گری بخود مشغول نداشته و نیز حب به فرزند و پدر و مادری نیز آنها را به خود سرگرم نسازد.

خداوند بزرگ فرمود: وکسانیکه در راه ما جهاد کنند یقیناً راههای هدایت خویش را به آنها می‌نمایانیم) پس پیامبران سلام بر آنها باد بهره نبوت را دارند اولیاء نیز بهره ولایت را. خداوند فرمود: (هشدار که اولیاء الهی را هیچ ترس و اندوهی برایشان نمی‌باشد آنان که ایمان آورده و تقوی پیشه می‌کنند بشارت و مژدگانی دنیا و آخرت از برای آنهاست و هیچ تغییر و تبدیلی برای کلام خدا نیست) ایشان گروهی از مؤمنان هستند که خداوند بزرگ آنها را به نعمت ولایت برگزیده است و به تعیین معصومانشن ساخته و دل‌هایشان را به نور هدایت نورانی ساخته است و آنها را خداوند برای خودش برگزیده است پس آنها آماده شده برای خودش

هستند و ایشان همانانند که خداوند بزرگ یادشان کرده است (بشارت بده بندگانم را که سخنان را می‌شنوند و بهترینش را تبعیت می‌کنند).^۱

حقیقتی که می‌توان به آن استناد کرد، نوشته حکیم ترمذی است که نگفته است که اولیاء بر انبیاء برتری دارند آن وقتی است که از رسول خدا روایت می‌کند این سخن را که: خداوند بندگان را دارد که انبیاء و شهدا نیستند. پیامبران و شهدا بر مکان و جایگاه آنها حسرت و غبطه می‌خورند زیرا که آنها بسیار به خداوند نزدیک‌اند.

شخصی از حکیم پرسید: آیا در این خبرها چیزی است که دلالت دارد بر برتری غیر پیامبران بر پیامبران؟ او گفت: معاذالله که این چنین باشد. زیرا کسی نیست که احدی را بر پیامبران برتر بداند چون که جایگاه و نبوت آنها بسیار بالاست.

حکیم می‌گوید: از آنجا که وحی برای پیامبر جایز است با توجه به صفتی که شرع بیان کرده که آن را با روح تأیید می‌کند بهمین شکل حدیث نیز برای شخص ولی که برگزیده شده و با آرامش است، جایز است. آیا این آرامش حقیقی نیست که از جانب خداوند بر اولیاء نازل می‌کند. پس از آنجا که وحی با روح بر پیامبر جایز است به همین صورت نیز حدیث برای این ولی با سکینه و آرامش جایز است. و اگر خداوند بر انبیاء ولایت دارد که نفوس آنها را به جایگاه و مسیر نبوت بکشاند و پرده را کنار زند، پس این گروه از اولیاء نیز نفوس آنها به جایگاه ولایت کشیده شده و پرده بر آنها نیز کنار می‌رود. پس امر مشترک بین نبوت و ولایت در برگزیدن خداوند است که ولی و نبی را برمی‌گزیند. همین طور این «امر در زدودن پرده و برطرف کردن موانعی که آنها را از خدا باز می‌دارد یا مانع امداد الهی می‌شود، مشترک هستند.

تفاوت بین نبوت و ولایت آنجا به وضوح ظاهر می‌شود که حدیث نزد اولیاء غیر از وحی است در نزد انبیاء با وحی برابری نمی‌کند و نیز پیامبران به حدیث دست می‌یابند و درجه‌ای بر آن می‌افزایند که همان وحی است، اما اولیاء شریف‌ترین مرتبه‌ای که بدان می‌رسند مرحله حدیث است که با آرامش نفس برای آنها حاصل می‌شود. و از تمام این موارد روشن می‌شود که حکیم اصلاً مسئله برتری اولیاء بر انبیاء را نگفته آنگونه که نویسندگان تصور کرده‌اند. به نظر می‌رسد گمان نویسندگان قدیمی و جدید به عبارت (یغبطهم) بر می‌گردد آنجا که حکیم تکرار کرده است که بر این اولیاء پیامبران و شهیدان غبطه می‌خورند به خاطر مقام و منزلتشان

و بخاطر نزدیکی آنها به خداوند همان طور که صراحتاً در گفتار سابق پیامبر نمی آمده است. سامی محقق کتاب علم الاولیاء می گوید: ترمذی معتقد است که اولیاء خاص روز قیامت در درجه‌ای عالی و مکانی بزرگ و مقامی نزدیک به خدا می باشند به طوری که آنها مورد حسد و غبطه انبیاء و شهیدان هستند. معروف است که سیار شده که حسد و غبطه به دست نمی آیند مگر از ناحیه وجودی که از جهت رتبه و درجه و ثروت پایین تر است نسبت به موجودی که مرتبه و درجه و ثروت بیشتری دارد و مثل اینکه غبطه او انبیاء و شهداء بر جایگاه خاص اولیاء متضمن ضرورت این سخن است که اینها از جهت رتبه و جایگاه برتر از دیگران هستند. و به نظر می رسد که خطای گمان این اشخاص که حکیم ترمذی گفته اولیاء بر انبیاء برتری دارند به این برمی گردد که آنها غبطه را حسد تفسیر کرده اند. اگر به فرهنگ لغت لسان العرب مراجعه کنیم می یابیم که این منظور از غبطه به جای خوش و نیکو تعبیر کرده است و به این صورت غبطه انبیاء و شهداء به این اولیاء وجود دارد زیرا آنها ملزم به پرستش خدا و شیوه و سلوکی که پیامبران و رسولان به آن دعوت شده اند هستند.^۱

- ولایت و ختم اولیاء

حکیم ترمذی در مورد خاتم پیامبران حضرت محمد «ص» بسیار سخن رانده است او بر این باور است که اولیاء نیز خاتم دارند. حکیم در حاشیه به ویژگی های پیامبر می پردازد و می گوید: خداوند بود در حالی علم را ظاهر کرد که هیچ چیزی با او نبود. ذکر را جاری نمود و مشیت بر این قرار گرفت. اولین چیزی که شروع کرد یاد محمد بود، سپس علم او را و بعد مشیت را. او در مقادیر اول است در اوج اول است در عهد و پیمان اول است و روز قیامت اول است و ... به همین جهت است که او بر پیامبران برتری دارد، او را خاتم پیامبران گرداند او جهت خدا بر تمام خلق و در روز قیامت است و به این مرتبه هیچ یک از پیامبران نرسیده اند.

خاتم اولیاء نزد حکیم هویتش معلوم نیست و نامی ندارد. اما او چنین کس را به برخی اوصاف که به آن شناخته می شود، توصیف می نماید: او از خدای خویش بهره مند است او سرور اولیاء است وی ختم ولایت را از خدا دارد، پس اگر به نهایت اسم هایش برسد به کجا می رود حال آنکه وی به باطنی رسیده است که صفات از او منقطع شده است.

۱- سایح، ص ۴۳۵.

در جای دیگر حکیم در کتاب ختم‌الاولیاء در مورد ختم‌الاولیاء می‌گوید: او سرور آنهاست بر اولیاء سروری دارد آن طور که محمد بر انبیاء برتری دارد. حکیم ترمذی اکتفا به این کلام نمی‌کند که خاتم برای اولیاء است و این از کلامش در مورد خاتم اولیاء روشن می‌شود که او در هر مکانی اول اولیاء است، آنطور که محمد اول انبیاء است و خداوند این ولی را به شیوه محمد می‌برد آن گونه که محمد حجتی برای تمام انبیاء است چنین ولی نیز حجتی برای اولیاء می‌شود.

از اینجاست که موضوع خاتم اولیاء یک موضوعی مؤکد نزد حکیم ترمذی به نظر می‌آید و موضوع کتابش حول موضوع ولایت، ویژگی‌های آن، خاتم اولیاء، صفات و ویژگی‌های آن است.

حکیم ترمذی محدث و نگهبان بود وی از جمله کسانی است که حدیث را نوشته و معانی را حفظ کرده است او الگوی عملی سنت نبوی بود که دعوت به تعهد و پایبندی به شیوه و سلوک رسول بزرگوار کرده است.^۱

نتیجه‌گیری

از بررسی شرح احوالات حکیم محمد بن علی ترمذی چنین برآمد که ابو‌عبداله محمد بن علی بن حسن (حسین) بن بشر ملقب به «حکیم ترمذی» محدث، مولف و زاهد از مشاهیر مشایخ محدثین صوفی متفکر و عالم ربانی در خراسان می‌باشد. شیخ در اوائل قرن سوم متولد شده و در اواخر همین قرن وفات می‌یابد.

نفوذ ترمذی در قرون بعدتر بیشتر به واسطه ابن عربی فزونی گرفت. نخستین صوفی که در باب ولایت سخن رانده است ابو‌عبداله محمد بن علی، ملقب به حکیم الترمذی است. آنچه نام حکیم ترمذی را در تاریخ تصوف همواره محفوظ نگاه داشته و در حقیقت جانبی برجسته و مشخص عقاید اوست موضوع ولایت است.

بررسی آثار حکیم ترمذی نشان می‌دهد که ایشان ضمن احاطه بر کل معارف اسلامی زمان خود، برای نگارش آثارش از منابع مختلفی بهره برده است. وی نخستین مؤلفی است که نوشته‌هایش ترکیبی از تجارب عرفانی انسان شناسی، جهان شناسی و الهیات اسلامی است. به طور کلی نظام فکری ترمذی نماینده حکمت قدیم اسلامی است که هنوز عناصر سنت فلسفی

۱- سایح، ۲۰۰۶، ۴۳۱، برکه، ۱، ۸۷/۱۹۷۱.

ارسطویی و نوافلاطونی را نپذیرفته است، انسان شناسی و جهان شناسی در آثار او جایگاهی خاص دارد. موضوع مهم و محوری آثار ترمذی، موضوع ولایت است. وی ولایت را برتر از نبوت، و ولایت پیامبر اکرم را بالاتر از مقام نبوت او می‌داند، به طور کلی تعداد آثار حکیم ترمذی به هشتاد جلد می‌رسد و نقش مسأله روش‌های قرآنی در علم تفسیر را، نقش کلیدی به حساب آورد. از دیگر آثار ترمذی تفسیر آیاتی از قرآن کریم است.

در زمینه عقاید حکیم ترمذی مواردی چون: حکیم ترمذی و ملامتیه، مسئله خاتم الاولیاء، ولایت از دیدگاه حکیم ترمذی، نبوت و ولایت، شرایط ولایت از نظر حکیم ترمذی و ولایت و ختم اولیاء، مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند.

یکی از طریقه‌هایی که در دوره تصوف و در قرن سوم پدید آمد و در طول تاریخ تصوف اهمیت زیادی پیدا کرد، رقه ای بود به نام ملامتیه یا ملامیه. که حکیم با مریدان این فرقه مراودات و مکاتبات زیادی داشت.

اندیشه های ترمذی در طریقه نقشبندیه هم تأثیر فراوان نهاده است. به طوری که خواجه بهاءالدین بخاری معروف به نقش‌بند در مبادی احوال و سلوک خویش از اثر توجهات خود به ارواح طیبه مشایخ تبار از جمله (حکیم ترمذی) حکایت می‌کند.

حکیم ترمذی خود نه تنها به مکتب نیشابور بلکه به هیچ مکتب عرفانی دیگری تعلق نداشت و از اینکه شخص درسیر عارفانه خود، به جای خالق بر مخلوق اتکا کند، صریحاً ابراز تردید می‌کند.

یکی دیگر از مباحثی که در نوشته های حکیم ترمذی به چشم می‌خورد، خاتم الاولیاء است. صوفیان به الهام از عقیده خاتم الاولیاء، مطرح کرده اند که اولیاء هم خاتمی دارند این مسئله باور مشترک صوفیان نیست، بلکه میان بعضی صوفیه دیده شده است؛ لذا اولین کسی که این اعتقاد را مطرح نموده، حکیم ترمذی است. ایشان معتقد است:

حضرت پیامبر (ص) پای صدق را پیشتر از همه پیامبران نهاده است. او خاتم همه پیامبران است. هر کس که به ذکر رسول اله پناه برد اهل بیت اوست. این خاتم الاولیاء سید همه اولیاست. چنانکه حضرت محمد (ص) سید انبیاست، او هم سید اولیاست. این ولی در ذکر اول در علم اول، در مشیت اول در مقادیر اول، در لوح محفوظ اول، در میثاق اول، در محشر اول، در خطاب اول، در شفاعت اول، در جوار اول، در ورود به بهشت اول، و در زیارت اول است. چنانکه حضرت محمد (ص) همه جا پیشگام پیامبران است. او هم پیشگام اولیاست.

اولیای دیگر سر حضرت پیامبرند، این ولی به مثابه گوش اوست. خاتم الاولیا آخرین ولی است که نزدیک به قیامت خواهد آمد.

بعد از حکیم ترمذی، بزرگترین هوادار این ادعا، ابن عربی بوده است. ابن عربی که فرسنگ‌ها از گام‌هایی که حکیم برداشته بود، فراتر رفته و خود را خاتم الاولیاء دیده است، خاتم اولیاء را برتر از خاتم الانبیاء دانسته و عنوان کرده است. به نظر او نبوت در ولایت ادامه یافته است. نبوت قطع می‌شود، ولی ولایت قطع نمی‌شود. نبوت به صورت ولایت ادامه می‌یابد. پیامبران نیز در عین حال ولی هستند. چون ولایت عام‌تر است.

به نظر صوفیه که هواداران خاتم الاولیاء بودند، ولایت باطن نبوت است. نبوت خبر دادن از احکام ظاهری دین و شریعت است، باطن آن به جای آوردن آن احکام با تصرف در تصوف است. اگر خبر دادن (انباء) از نظر نبوت به پایان رسیده باشد، ولایت از نظر تصرف در نفوس ادامه دارد. زیرا اولیایی که بعد از حضرت محمد (ص) آمده‌اند، تصرف او را دارا هستند. حضرت محمد (ص) به واسطه آنان در میان مردم تصرف می‌کند.

لازم به ذکر است که در میان صوفیان درباره نظریه خاتم اولیاء اتفاق نظر نیست. همه آنان این نظر را نپذیرفته‌اند. «بدان که خداوند عالم را با خلیفه حفظ می‌کند، همان طور که خزاین را با ختم نگه می‌دارد و او قطب است که در هر عصر بیش از یک تن نیست. آغاز آن با آدم(ع) بود و پایان آن با عیسی(ع) خواهد بود. بنابراین آخرین ولی را که خبر داده‌اند، نزدیک قیامت خواهد آمد، عیسی(ع) دانسته و پذیرفته‌اند.

نبوت به طور اعم به معنی خبر دادن، و به طور اخص از دیدگاه حکیم ترمذی به معنی کنار رفتن حجاب، یا وقوف بر اسرار غیب، خدا را شناختن و به نور الهی با چشم بصیرت به ماهیت پوشیده اسرار و اشیا نگریستن است. با آن که در آغاز در این باب چندان توجیحات فلسفی نبود، به مرور زمان توضیحات ماهیتی فلسفی به خود گرفته است. هر پیامبری از آدم(ع) تا حضرت پیامبر(ص)، تظاهری از نبوت روح اعظم است. این نبوت گذرا است، محدود به زمان است. هر پیامبر مظهري از یک اسم و یک صفت خود تجلی کرده است. اما در حضرت محمد (ص) با تمام ذات، صفات و اسمای خود تجلی شده است. نبوت با او خاتمه یافته است.

شخص ولی نزد حکیم ترمذی کسی است که خداوند برای او ولایت را فرض کرده است و بهره‌ای برای او قرار داده است و در سایه حفظ خداوند است که او می‌تواند ولایت داشته

باشد. و ولایت برای کسی است که گفتارش از خدا می باشد و خداست که آن را به وی می‌رساند و حدیث از اوست و حدیث آن چیزی است که از عمل آن کسی ظاهر می‌شود که در زمان مشیت ظاهر شده و آن، حدیث نفس است و این گفتار از محبت الهی در مورد این بنده است و آن همواره با حق به قلبش وارد می‌شود و قلب او با آرامش می‌پذیرد و آن که آن را رد کند کافر شده بلکه ناامید می‌شود و قلبش حیران می‌گردد زیرا این رأی برحق است. پس حکیم بر جایگاه نبوت و رسالت تأکید دارد. در جائی دیگر تفاوت درجه و جایگاه بین نبوت و ولایت را از لابلای موضوع مشترکی بین نبوت و ولایت بیان می‌کند و آن موضوع مشترک سخن اوست که از اجزاء نبوت است ولی خود نبوت نیست. اجزاء نبوت مثل حدیث است و آن برترین قسمت نبوت می‌باشد. بعداً صدیق بودن الهام فراست و از اجزاء آن عقل خرد یقین و ...

خداوند برای اهل ولایت، ولایت را واجب نموده و آنها را با روح خویش تأیید کرده است و آنها را در راه خدا ملامت هیچ ملامت‌گری بخود مشغول نداشته و نیز حبّ به فرزند و پدر و مادری نیز آنها را به خود سرگرم نسازد. تفاوت بین نبوت و ولایت آنجا به وضوح ظاهر می‌شود که حدیث نزد اولیاء غیر از وحی است در نزد انبیاء با وحی برابری نمی‌کند و نیز پیامبران به حدیث دست می‌یابند و درجه‌ای بر آن می‌افزایند که همان وحی است، اما اولیاء شریف‌ترین مرتبه‌ای که بدان می‌رسند مرحله حدیث است که با از جمله کسانی است که حدیث را نوشته و معانی را حفظ کرده است. و از تمام این موارد روشن می‌شود که حکیم اصلاً مسئله برتری اولیاء بر انبیاء را نگفته، آنگونه که نویسندگان تصور کرده‌اند.

منابع و مأخذ

- ۱- الهی قمشه‌ای، قرآن کریم، اسلام، قم، ۱۳۷۹.
- ۲- آتش، سلیمان، مکتب تفسیری و اشاری، تحقیق توفیق سبحانی، ۱۳۶۲، تهران، نشر دانشگاهی، چاپ ۱۲، ۱۳۸۱، تهران.
- ۳- ابن اثیر، عزالدین، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، تصحیح مهناز خلیلی و سیدحسن السادات نصری، ترجمه عباس خلیلی، کتب ایران، ج ۶، ۲۵۳۵ شاهنشاهی، تهران.
- ۴- _____؛ کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم پاینده، کتب ایران، ج ۲۶، ۲۵۳۵ شاهنشاهی، تهران.
- ۵- ابن جوزی، ابی الفرج؛ صفة الصفوة، دارالمعرفه، ج ۲، چاپ سوم، ۱۴۰۵ هـ بیروت.
- ۶- _____؛ المنتظم، حیدرآباد، ج ۶، ۱۳۵۷، قاهره.
- ۷- _____؛ کتاب الروح، حیدرآباد، ۱۳۵۷ هـ لبنان.
- ۸- _____؛ تلبیس ابلیس، ترجمه علیرضا ذکاوتی، دانشگاه تهران، اول، ۱۳۶۸، تهران.
- ۹- ابن عربی، اکبر؛ ترجمه فتوحات مکیه، ترجمه محمدخواجهی، مولی، باب ۷۳، چاپ دوم، ۱۳۸۴، تهران.
- ۱۰- _____؛ الجواب المستقیم، مخطوطات، ۳۷۵۰، استانبول.
- ۱۱- _____؛ شرح فصوص الحکم، ترجمه خوارزمی، مولی، جلد اول، ۱۳۶۴، تهران.
- ۱۲- _____؛ فتوحات، مکتبه العربیه، جلد ۴، ۱۹۷۲ ق، القاهره.
- ۱۳- انصاریان، حسین، عرفان اسلامی «شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه»، پیام آزادی، ج ۱۱، چاپ اول، ۱۳۶۷، تهران.
- ۱۴- بروکلیمان، کارل؛ تاریخ ملل و دول اسلامی، ترجمه هاوی جزایری، علمی فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۳، تهران.
- ۱۵- برکه؛ الحکیم الترمذی و نظریته فی الولایه، مجمع البحوث الاسلامیه، ج ۲۱، ۱۹۷۱، قاهره.
- ۱۶- _____؛ رسایل خمس للحکیم الترمذی، مجله کلیه اصول الدین، شماره ۱ سال

۱۳۲۹، قاهره.

۱۷- بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، مطبعة السعادة، جلد ۷ و ۹ و ۱۱، چاپ دوم، ۱۳۴۹، بغداد.

۱۸- _____، هدية العارفين، مكتبة الاسلاميه و الجعفرى التبريزى، چ دوم، ۱۹۶۷ م.

۱۹- بلخى، عبدالله بن عمر صفى الدين، فضائل بلخ، ترجمه م حسينى بلخى، حبيبي، ۱۳۵۰، تهران.

۲۰- بيرونى، ابوريحان محمد بن احمد؛ الآثار الباقية عن القرون الخالية، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ج اول، ۱۳۸۰، تهران.

۲۱- بيهقى، ابوالفضل محمد حسين؛ تاريخ بيهقى، اديب، ۱۳۵۶.

۲۲- _____؛ ترجمه تاريخ بيهقى، دانشگاه فردوسى مشهد، چاپ اول، ۱۳۵۶، مشهد.

۲۳- پورقوچانى، رمضانعلی، چكیده نامه مقالات خراسان، آستان قدس رضوى، «علل تهاجم چنگيز خان به ايران و فداكارى»، شماره ۳۱، ۱۳۷۳، مشهد.

۲۴- ترمذى، محمد بن على؛ ختم الاولياء، به كوشش عثمان اسماعيل يحيى، الكاثوليكيه، چاپ اول، ۱۹۶۰، بيروت.

۲۵- _____؛ سيرة الاولياء، ترجمه برنند راتكه، الكاثو ليكيه، چاپ اول، ۱۹۶۵، بيروت.

۲۶- _____؛ علم الاولياء، تحقيق سامى نصر لطف، مكتبة الحرية، چاپ اول، ۱۹۸۳ م، قاهره.

۲۷- _____؛ اثبات العلل، محقق خالد زهرى، الدار البيضاء، چاپ اول، ۱۹۹۸ م، قاهره.

۲۸- _____؛ الاكياس و المغترين، احمد عبدالرحيم السايح والسيد الجميلى، مكتب الثقافى، اول ۱۹۸۹، قاهره.

۲۹- _____؛ رياضة النفس، ا. چ آربرى و على حسن عبد القادر، الحلبي، چاپ دوم، ۱۳۶۶ هـ، ۱۹۴۷، مصر.

۳۰- _____؛ ادب النفس، اچ آربرى، على حسن عبدالقادر، الحلبي،

- چاپ اول، ۱۳۶۶، هـ ۱۹۴۷. مصر.
- ۳۱- _____؛ کتاب اجوبة المسائل التي سئل عنها المصنف الحكيم، آربري، دار الكتاب العربي، اول، ۱۹۴۰ م، قاهره.
- ۳۲- _____؛ جواب كتاب (عثمان بن سعيد) من الرى، تحقيق و ترجمه لاتك، چاپ اول، ۱۹۹۶، م، بيروت.
- ۳۳- _____؛ كتاب الى محمد بن الفضل، تحقيق و ترجمه راتكه، ۱۹۹۶م، بيروت.
- ۳۴- _____؛ الفروق و معنى الترادف، مخطوطات، ۵۰۱۸ پاریس.
- ۳۵- _____؛ الصلاة و مقاصدها، تحقيق حسنى زيدان؛ دارالكتاب العربى، چاپ اول، ۱۹۶۵، قاهره.
- ۳۶- _____؛ نوادر الاصول فى معرفة اخبار الرسول، ترجمه مصطفى بن اسماعيل دمشقى، استانبول چاپ اول، ۱۸۷۷ م، تركيه.
- ۳۷- _____؛ بيان الكسب، ترجمه عبد الفتاح بركة، السعادة، قاهره.
- ۳۸- _____؛ التوحيد؛ السعادة، قاهره.
- ۳۹- _____؛ الحج و اسرار؛ محقق حسنى نصر زيدان، دارالسعادة، چاپ اول، ۱۹۷۰، قاهره.
- ۴۰- _____؛ عرش الموحدين، اسماعيل صائب، ۱۹۴۶ م، قاهره.
- ۴۱- _____؛ الاعضا والنفس، سايج و عوض، مكتبة الثقافة، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ. ق، قاهره.
- ۴۲- _____؛ المنهيات، ابوهاجر محمد السعيد بسيونى، دارالكتب العلمية، دوم، ۱۹۸۶ م زغلول، بيروت.
- ۴۳- _____؛ كتاب العلوم، اس فرات، استانبول، چاپ اول، ۱۹۶۵ م ۱۴۰۶ هـ، استانبول، چاپ اول؛ ۱۹۷۵ م، مصر.
- ۴۴- _____؛ غور الامور، السايح و عبده عوض، مكتبة الثقافة الدينية، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ. ق ۲۰۰۲ م، قاهره.
- ۴۵- _____؛ الادعيه و الطلسمات والغرائب، ترجمه جيوشى.
- ۴۶- _____؛ صفة القلوب و احوالها و هبة تركيبها، آربرى و

عبدالقادر، مكتبة الثقافة الدينية، چاپ اول، ١٩٤٧ م، قاهره.

٤٧- _____؛ بيان الفرق بين الصدر و القلب و الفؤاد و اللب، نقولا هير،

عيسى البابى الجلى، اول، ١٩٥٨ م، مصر.

٤٨- _____؛ المسائل المكنونه، جيوشى، تراث العربى، چاپ اول،

١٤٠٠هـ.ق، مصر.

٤٩- _____؛ الرد على المطعه، مخطوط بمكتبة الاسكندريه، رقم ١٤٥.

٥٠- _____؛ بيان العلم، مخطوط بمكتبة أنكاراسماعيل صائب،

رقم ١٥٧١.

٥١- _____؛ الفرق بين الآيات والكرامات، مخطوط بمكتبة أنكارا

اسماعيل صائب، ١٥٧١

٥٢- _____؛ بدءشان الحكيم الترمذى، ترجمه راتكه، چاپ دوم، ١٩٩٤

م، بيروت.

٥٣- _____؛ مسائل التعبير، ترجمه آربرى، ١٩٤٠ م، ISO.

٥٤- _____؛ الشفاء والعلل، اس.فرات، مطبعة الحسان، اول، القاهره.

٥٥- _____؛ شرح قوله (مالايمان و الاسلام والاحسان)، جيوشى،

منبرالاسلام، اول، ٣٨ هـ، قاهره.

٥٦- _____؛ مكر النفس، عبد الفتاح بركة جيوشى، دار التراث العربى،

چاپ اول، ١٤٠٠ هـ.ق، مصر.

٥٧- _____؛ معرفة الاسرار، جيوشى، دارالنهضة العربى، چاپ اول،

١٩٧٧ م، مصر.

٥٨- _____؛ تحصيل نظائر القرآن، حسنى نصر زيدان، دارالسعادة؛ اول،

١٣٩٠ هـ.ق، قاهره.

٥٩- _____؛ الى بعض اخوتة، نسخه لايبزيك، ٢١٢.

٦٠- _____؛ كتاب العلوم، قاهره.

٦١- _____؛ رساله فى الذكر و وصف المنفردين، و فى الشكر والصبر،

مخطوط بمكتبة، الوكتور البحيوشى.

٦٢- _____؛ در شرح وتفسير سوره ٤٧ / آيه ١٩، نسخه أنكارا

صائب، ۱۵۷۱.

۶۳- _____؛ عبودیت در دنیا و رهایی در آخرت، نسخه آنکارا صائب، ۱۵۷۱.

۶۴- _____؛ رساله فی بیان احکام النوروز، عاشر رقم ۴۳۰.

۶۵- _____؛ در این باره که نشان عشق چیست؟، نسخه آنکارا صائب،

۱۵۷۱

۶۶- _____؛ المسائل التي عنما اهل سرخس، برند راتکه، چاپ اول،

۱۹۹۴ م، بیروت.

۶۷- _____؛ عرس العارفين، نسخه بنگال (۷)، ۱۰۵۶.

۶۸- _____؛ مجله باب ما ذکر فی التسبیح و التحمید و التهلیل و التكبير،

جیوشی، منبرالاسلام، ۱۹۳۸، ش ۶.

۶۹- _____؛ اسرار مجاهده النفس، ترجمه ابراهیم الجمل، دارالمشرق

العربی، چاپ اول؛ ۱۴۰۹ هـ.ق ۱۹۸۹ م، قاهره.

۷۰- _____؛ حقیقة الآدمیة، تحقیق الحسینی، مطبعة التجارة

بالاسکندریه.

۷۱- _____؛ خمس رسائل للحکیم الترمذی، تحقیق عبد الفتاح برکة،

مجله کلیه اصول دین، چاپ اول، قاهره.

۷۲- _____؛ منازل العباد من العباد، احمد عبد الرحیم برکة، مکتب

الثقافی، اول، ۱۹۸۸ م، قاهره.

۷۳- جیوشی؛ الحکیم الترمذی دراسه لآثاره و افکاره.

۷۴- جوینی، عطا، تاریخ جهانگشایی، افست، جلد ۱، ۱۹۳۷، تهران.

۷۵- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله؛ كشف الظنون عن اسامی الكتب و الفنون، مکتبه

الاسلام، جلد دوم، چاپ سوم، ۱۹۶۷ بیروت.

۷۶- حائری عبدالحسین؛ فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتب خطی اهدائی

سیدمحمد صادق طباطبائی، جلد ۲۲، چاپ اول، ۱۳۷۴، تهران.

۷۷- حسینی، معرفه عند الحکیم ترمذی، قاهره، ۱۹۶۸ م، مصر.

۷۸- حسنی زیدان، شرح الحکم، دارالمعرفة، لبنان.

۷۹- حفنی، معجم مصطلحات الصوفیه، دار المسیره، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م بیروت.

- ۸۰- حمومی، یاقوت، معجم البلدان، السعادة، جلد اول، ۱۳۲۳، قاهره.
- ۸۱- _____؛ معجم الادباء؛ السعادة، جلد ۶، قاهره.
- ۸۲- نیشابوری خرگوشی، ابوسعید، علم القلوب، تصحیح احمد عطا، معارف دوره ۱۵ شماره ۳، ۱۳۸۴.
- ۸۳- _____؛ بازمانده‌های کتاب الاشارة والعبارة، ۱۳۷۷.
- ۸۴- خرمشاهی، بهاء ولد، حافظ نامه، انتشارات علمی فرهنگی جلد ۱ و ۲ چاپ دوم، ۱۳۶۷ تهران.
- ۸۵- دانشنامه جهان اسلام، به سرپرستی غلامعلی حداد عادل، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد ۷، چاپ اول، ۱۳۸۲، تهران.
- ۸۶- دایرة المعارف ازبکستان، ج ۱.
- ۸۷- دایرة المعارف الاسلامیه، جهان، جلد ۵.
- ۸۸- دهباشی، میرباقری، سیدمهدی، سید اصغر؛ تاریخ تصوف ۱، سمت، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۴ تهران.
- ۸۹- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، تذکرة الحفاظ، محقق این جز حسین الاسعه، حیدرآباد، جلد دوم چاپ ۱۳۳۴ هـ. ق، مکتبة الازهریة، ۱۳۹۶ قاهره.
- ۹۰- راتکه، اورکین برند رو دلف، جان؛ مفهوم ولایت، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۹ تهران.
- ۹۱- _____؛ حکمت و فلسفه، نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۷۹ تهران.
- ۹۲- سایح، احمد عبد الرحیم، الحکیم الترمذی و نظریة فی السلوک، مکتبة الثقافة الدینیة، چاپ اول، ۲۰۰۶ م، قاهره.
- ۹۳- _____؛ منازل العباد من العباد، دارالنهضة ج ۲، مصر.
- ۹۴- سبکی، تاج‌الدین، طبقات الشافعیة الکبری، تحقیق محمد محمود الطنجی، دار الاحیاء الکتب العربی، جلد دوم، ۱۳۲۴، قاهره.
- ۹۵- ستوده؛ حدود العالم، یوسف الهادی، الدار الثقافة - للنشر، ۱۳۷۲ هـ قاهره.
- ۹۶- سرکیس، یوسف لیان، معجم المطبوعات الربیة المحربه، منشورات مکتب المرعشی النجفی، جلد اول، ۱۴۱۰ ق، قاهره.
- ۹۷- سرگین، فؤاد: تاریخ نگارش‌های عربی، ترجمه به اهتمام خانه کتاب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۰ تهران.

- ۹۸- سعادت حکیم؛ المعجم الصوفی.
- ۹۹- سلمی ابو عبد الرحمن؛ طبقات الصوفیه، تحقیق نورالدین شریبیه، دار الکتب العربی، ۱۹۵۴ م مصر.
- ۱۰۰- طباطبائی محمد حسین؛ میزان، فرهنگ و ارشاد اسلامی، تفسیر آیه ۱۷۲ اعراف، چاپ پنجم، ۱۳۷۲، تهران.
- ۱۰۱- فیفی، ابوالعلاء، الصوفیه و اهل ملامیه و صوفیه و فتوة الفتوة، الهام، اول ۱۹۴۵ ق، قاهره.
- ۱۰۲- قشیری، ابوالقاسم؛ رساله قشیری، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴، تهران.
- ۱۰۳- قبادیانی مروزی، ناصر خسرو، سفرنامه، به کوشش محمد دبیر سیاقی، زوار، ۱۳۷۵، تهران.
- ۱۰۴- کیانی نژاد، زین الدین، سیر عرفان در اسلام، اشراقی چاپ اول ۱۳۶۶، تهران.
- ۱۰۵- ماسینیون، لوئیس، مصائب، ترجمه ضیاءالدین دهشیری، بنیاد علوم اسلامی، ۱۹۴۵ م، تهران.
- ۱۰۶- _____؛ دراسات فی اصول الصیاعات الفنیة فی التصوف الاسلامی، المكتبة الفلسفیه، ۱۹۴۵ م، پاریس.
- ۱۰۷- مجله معارف، ترجمه اسماعیل سعادت، دوره هفتم، شماره دو ۱۳۶۹ - مشهد.
- ۱۰۸- مدرس چهاردهی، نورالدین، سلسله های صوفیه ایران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- ۱۰۹- مستوفی قزوینی، حمداله؛ تاریخ گزیده، عبدالحسین نوائی، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۱، تهران.
- ۱۱۰- مصاحب؛ غلامحسین، دایرة المعارف فارسی، فرانکلین، جلد اول، ۱۳۵۶، تهران.
- ۱۱۱- معین؛ فرهنگ فارسی معین، امیرکبیر، جلد اول، ۱۳۷۵.
- ۱۱۲- موسوی بجنوردی؛ دایرة المعارف اسلامی، وزارت سازمان چاپ، جلد ۴، ۱۳۸۳، تهران.
- ۱۱۳- موسوی، جلال الدین، مجالس سبعة، به تصحیح و توضیحات توفیق سبحانی، کیهان، چاپ دوم، ۱۳۷۲، تهران.

- ۱۱۴- مینوی مجتبی؛ مجله دانشکده ادبیات، ج ۴، ۱۹۵۷ م.
- ۱۱۵- نشریه اعتماد، طریقت‌های تصوف، آستان قدس رضوی، ۸۴/۷/۱۴، ۱، ۱۳۷۷ مشهد.
- ۱۱۶- نجاری، عبدالمجید؛ العقل والسلوک فی النیه، والسلوک، حیدرآباد، قاهره.
- ۱۱۷- نفیسی، علی‌اکبر؛ سرچشمه تصوف، فروغی، ۱۳۷۱، تهران.
- ۱۱۸- _____؛ فرهنگ نفیسی، افسست هروی، جلد دوم، ۱۳۷۷، تهران.
- ۱۱۹- نویا، پل؛ تفسیر عرفان و زبان قرآنی، ترجمه اسماعیل سعادت، کتابخانه ملی، چاپ اول ۱۳۷۳، تهران.
- ۱۲۰- نیکلسون، رینولد؛ پیدایش و سیرتصوف، توس، ۱۳۷۵، تهران.
- ۱۲۱- _____؛ تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا، ترجمه محمد رضا شفیعی که کنی، سخن، چاپ سوم، ۱۳۸۳، تهران.
- ۱۲۲- نیکلسون، آلن؛ عرفان عارفان مسلمان، ترجمه اسداله‌زاده، دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ دوم، ۱۳۸۲، مشهد.
- ۱۲۳- یافعی، عبره الیقظان؛ کنزالاولیاء، مکتبته الحلبي الظاهریه، ۱۳۳۸ هـ ق، قاهره.
- ۱۲۴- _____؛ مرآة الجنان، حیدرآباد، ۱۳۳۸ هـ ق، قاهره.
- ۱۲۵- هجویری، علی بن عثمان؛ کشف المحجوب، تصحیح ژوکوفسکی با مقدمه قاسم انصاری، امیرکبیر، ۱۳۶۶، تهران.
- ۱۲۶- همایی، جلال‌الدین؛ تصوف در اسلامی، هما، ۱۳۶۶ هـ. ق، تهران.
- ۱۲۷- هثیم، ابوبکر محمدبن جعفر؛ طبقات الشعرا، ترجمه عباس خلیلی، جلد اول.